هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



آیا دین درس وحشت افگنی می دهد؟ این عناصر (عاملان انتحار و انفجار) قبل از اینکه علیه چیزی دیگری جنگ کنند علیه دین می جنگند، جهل شان متوجه اسلام است. این عناصر باید بفهمند که از این کارهای ناروای شان خداوند(ج) و پیغمبر(ص) اسلام و مسلمانان و جامعهٔ انسانی بیزار است.

از سخنان رهبر شهید

دور ششم -سال سیزدهم - شمارهٔ بیست و نهم ۲۴ عقرب ۱۳۹۳ ۲۲ محرم الحرام ۱۴۳۶ 15 Nov 2014

سفر رئیس جمهور به پاکستان و خوشبینی های تازه در روابط دو کشور



□ عنایت

محمد اشرف غنی رئیس جمهوری اسلامی بنا بر دعوت رسمی نوازشریف صدراعظم پاکستان، صبح روز جمعه تاریخ ۲۳ عقرب در رأس یک هیئت عالی رتبه عازم اسلام آباد پایتخت پاکستان گردید.

درجریان سفر دو روزهٔ رئیس جمهور غنی، با ممنون حسین رئیس جمهور و نوازشریف صدراعظم پاکستان و همچنان با مقامات نظامی و شماری از رهبران احزاب سیاسی آن کشور به طور جداگانه دیدار نمود.

طی این سفر روی گسترش و تحکیم روابط و همکاری های دوجانبه در عرصه های مختلف، بحث و تبادل نظر صورت گرفت. رئیس جمهورغنی از دولتمردان و رهبران آن کشور خواست تا در پروسهٔ صلح افغانستان را کمک کنند.

همچنان رئیس جمهور کشور در جریان این سفر با شماری از تاجران افغانستانی و پاکستانی و نیز با گروپ دوستی پارلمانی افغانستان، پاکستان، دیدار نمود. رئیس جمهور غنی بازی دو تیم کرکت افغانستان و پاکستان را از نزدیک مشاهده و ورزشکاران را تشویق نمود، تا در جهت نزدیکی ملت ها از طریق ورزش نقش ایفا کنند.

رئیس جمهور کشور را در این سفر، محمد حنیف اتمر مشاور امنیت ملی، احمد ضیا مسعود نمایندهٔ فوق العاده رئیس جمهور، انجنیر محمد خان معاون اول رئیس اجرائیه، سرپرست وزرای امور خارجه، مالیه، معارف، تجارت و صنایع، سرحدات و قبایل، رئیس عمومی اداره امور ریاست جمهوری، لوی درستیز وزارت دفاع ملی، رئیس دارالانشای شورای عالی صلح، شماری از اعضای شورای ملی و نظیف الله سالارزی سخنگوی رئیس جمهور همراهی نمودند.

این نخستین سفر آقای غنی به پاکستان از زمان احراز سمت ریاست جمهوری است. اما سفر وی با امیدها و تردیدهای بیشتر همراه است. زیرا درگذشته چنین سفرهای زیاد صورت گرفته و در تحکیم صلح و قطع جنگ کدام تغییر ماهوی به میان نیامده و رویکرد تمایل به صلح از سوی تروریست های که از حمایت حکومت پاکستان و نظامیان آن کشور برخوردار هستند نداشته است. رئیس جمهور پیشین افغانستان در زمان زمامداری ۱۳ساله اش برای بیستمین بار به آن کشور سفر نموده بود. مقامات حکومت های پیشین بارها اعلان نموده بودند که ص۶

تاخت و تاز جاهلانه در قالب راه اندازی یک اعتراض

□ ع.م

در شمارهٔ (۷۰۶) اطلاعات روز چاپ کابل، خطاب به دکتر سید مخدوم رهین سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ، مطلبی از نظرم گذشت تحت عنوان: «پوشیدن نکتایی وکُت و شلوار، نماد روشنفکری نیست!»

نویسنده در ارتباط با برداشته شدن تابلوی فیض محمد کاتب یکی از مورخان نامورکشور، اعتراض شدیداللحنی راه انداخته و عمدتاً چیزهای زیادی را به آدرس ایشان نگاشته است که حتماً جناب دکتر، در زمینه شخصاً پاسخی ارائه خواهند داشت.

اما این نوشته، تنها حمله به وزیر اطلاعات و فرهنگ کشور نیست، بلکه درآن ناسزاگویی ها و دهن کجی ها و تاخت و تازهایی نسبت به مجاهدین و رهبران آنها در رأس پروفسور برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت نیز صورت گرفته است که اینگونه موضعگیری های خصمانه، به هیچ صورتی نمی تواند عاری از واکنش باشد؛ بدین شرح:

۱- اعتراض نشریه مبنی بر برداشته شدن تابلوی "کاتب" نمی تواند موجه نباشد، اما نه به قیمت نثار فحش و ناسزاگویی به آدرس جهاد و مجاهدین!

به این معنی کاتب هم مثل سایر شخصیت های درخور احترام کشور حق دارد جاده ای به نامش مسمی گردد.

۲- جهاد فریضهٔ الهی است و دشمنی با آن دشمنی با دساتیر قرآن و انکار از فضایل آن است که در کلام الهی جداً به آن تاکید صورت گرفته است.

۳- به همین نحو می توان گفت: دشمنی با مجاهد - که به خاطر خدا و حفظ وطن سر خود را به کف می گیرد و به میدان شهادت می شتابد- یقیناً موازی است با دشمنی ورزیدن با آزادی و شرف و عزت و کرامت انسانی .

۴- انکار از شخصیت قابل احترام پروفیسور برهان الدین ربانی به مفهوم انکار از خورشید و چشم پوشی از حقیقت آن است؛ به این مفهوم ایشان نه تنها به عنوان یک عالم بارع و چیره دست و یک نویسندهٔ توانا و شناخته شده و یک دانشمند نامدار درکشور و منطقه و حتی جهان اسلام، بیشتر از نیم قرن مسؤولیت رهبری تودهٔ عظیمی از ملت مسلمان را به عهده داشت و افتخارات غیر قابل انکار بیشماری آفرید؛ مزید برآن بیشتر از یک دهه رئیس جمهور این کشور بود از همین رو ایشان سزاوار هرگونه تقدیر و حرمت و ارجگذاری می باشند.

در اخیر باید گفت: برداشته شدن تابلوی کاتب یک اعتراض معقول است، اما حمله به یک فریضهٔ دینی (جهاد) کاریست دشمنانه و جاهلانه!

چین و میانجیگری صلح در افغانستان

■ ابوبکر سبزوار

در این روزها نام کشور چین در رسانه های افغانستان بار دیگر در سرخط اخبار مطرح است. دلیل این امر سفر رئیس جمهور غنی به آن کشور بود و این امید را برانگیخت که ممکن است چین در تأمین صلح در افغانستان نقش ایفا نماید.

سرزمین بزرگ چین از دیر باز با خراسان بزرگ که افغانستان امروز بخشی از آن بود، رابطهٔ نزدیک داشته است. بخشی از شاهراه ابریشم که مسیر تجارت غرب با چین را تشکیل می داد از افغانستان امروز می گذشت. افغانستان بعنوان کشوری که در سر راه کاروان های تجارتی قرار داشت، در دادوستد فرهنگی میان کشورهای مختلف با چین در آن دوره نقش مهمی را ایفا نمود.

با پیشرفت بشر در بخش دریانوردی و بمیان آمدن راه های دریایی، شاهراه ابریشم متروک شد و جای کاروان های شتر را کشتی و سرانجام خطوط آهن و درنهایت ترانسپورت هوایی گرفت و روابط تجارتی افغانستان با چین نیز محدود گردید.



بمیان آمدن انقلاب کمونیستی در روسیه و سرانجام حاکمیت نظام کمونیستی در چین در سال ۱۹۴۹ و از آن به بعد تلاش چین برای نفوذ ایدئولوژیک بر کشورهای جهان سوم موجب شد تا روابط سیاسی دولت شاهی افغانستان تحت زعامت ظاهرشاه با چین محتاطانه تر انکشاف نماید. در اواسط دهۀ ۶۰ میلادی رقابت میان شوروی و چین در این بخش موجب شد تا مائویسم در افغانستان نیز هوادارانی بیابد.

پروژهٔ اقتصادی قابل ذکری که در آن دوره به کمک کشور چین در افغانستان ساخته شد حفر یک کانال به منظور آبیاری تاکستان های شمال کابل بود.

بعد از نزدیک شدن چین با امریکا و سپس مرگ مائو، چین تغییر کرد و مفکورهٔ صدور ایدئولوژی را کنار نهاد و به تدریج دید این کشور به کشورهای دیگر بخصوص کشورهای درحال رشد بیشتر به دید اقتصادی مبدل گردید. پیشرفت سریع اقتصادی در این کشور از دهۀ اخیر قرن بیستم جهان را ص۷

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کوچه اول سرک لیسه نادریه — عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

نبود زمینهٔ اشتغال، چالش بزرگ فراراه مردم و حکومت

راهبرد جریان های تحول و اصلاحات بیشترینه بر محور شاخص های اقتصادی متکی می باشد. گذشته بر اصلاح توسعهٔ سیاسی، حکومت داری خوب توزیع قدرت در میان لایه های مختلف جامعه، اقوام و تبارهای مختلف خود را باید در آیینهٔ آن احساس نمایند. یکی از دشواری های حکومت جدید، ایجاد زمینه های اشتغال برای جوانان و متقاضیان کار می باشد. تعدادی نسبت نبود کار و درآمد ماهوار به صفوف مخالفان پیوسته اند و تعدادی هم به کشت مواد مخدر مبادرت ورزیده و می ورزند و پای مهاجران اقتصادی را به کشورهای دور و نزدیک؛ چون: یونان، ترکیه، آسترالیا، ایران و آسیای میانه کشانده است.

بزرگترین چالش در برابر حکومت آینده، جلوگیری از مهاجرت های اقتصادی است. مهاجرت های که سالانه جان صدها تن از جوانان و خانواده های ما را می گیرد. صدها تن ظرف سال های اخیر در آب های ترکیه و یونان به هدف رسیدن به اروپا غرق شده اند. در تازه ترین موارد، تعدادی از مهاجران افغانستانی در آب های سواحل شمالی استنبول ترکیه غرق شدند، اجساد برخی اینها به افغانستان انتقال و به خانواده های شان سپرده شد و تعدادی دیگر مفقود گردیده اند. آنها می خواستند تا خود را از طریق غیر قانونی به اروپا برسانند؛ در صورتی که حکومت وحدت ملی برنامه های مشخص را روی دست نگیرد، به تعداد این مهاجران اقتصادی سالانه افزوده خواهد شد و یا تعدادی به صفوف مخالفان خواهند پیوست. بیکاری و عدم اشتغال با زرع مواد مخدر پیوند نزدیک دارد.

دولت جدید در نظر دارد، تا یک شورای بزرگ اقتصادی را در سطح دولت به وجود آورد. حکومت را در زمینه های کاریابی و اشتغال مشوره دهد. امروز نهادهای موازی در کشور وجود دارند که هدف آن به طور ظاهر زمینهٔ کاریابی و تجارت می باشد، اما هیچ کدام دست آورد محسوس نداشته است. جا دارد که این نهادهای موازی و بی برنامه حذف گردد و جای آن را نهادهای کارا و پرثمر بگیرد.

امروز بسیاری از فعالیت های اقتصادی به حالت تعلیق درآمده است؛ به طور نمونه از پروژهٔ مس عینک و فعالیت های اقتصادی آن خبری نیست. ساخت و سازهای، انهار و ترمیم شاهراه ها به حالت تعلیق درآمده است. شاهراه بزرگ سالنگ که آسیای میانه را به جنوب افغانستان وصل می کند و یک شاهراه بزرگ اقتصادی می باشد در وضعیت بدی بسر می برد. دولت به پروژه های زودرس و مفید نیاز دارد. در ولایات، ولسوالی ها و قریه ها آب و برق و سرک وجود ندارد. نمی شود پیشرفت را در قریه ها و ولایات بدون انرژی برق و سرک هدایت و رهنمایی نمود. پروژه های همبستگی که بالاتر از صدها میلیون دالر درآن ها در جهت انکشاف دهات به مصرف رسیده، از کیفیت خالی بوده و این پروژه ها اکثراً از فعالیت بازمانده است. در صورتی بالا رفتن ظرفیت دولتی، دولت می تواند این پروژه ها را به صورت درست رهبری و بازرسی نماید.

سکتور زراعتی در بسیار از ولایات با همان شیوهٔ قدیمی اداره می شود. از آنجایی که افغانستان یک کشور زراعتی است و در صورت زراعت پیشرفته، دهقانان قادر می گردند، تا از زمین کوچک خود محصول دلخواه به دست آرند. نبود اشتغال و کار مناسب می تواند جبههٔ مخالفان را تقویت نماید. شواهد می رساند که بسیاری از بد روزگار به مخالفان می پیوندند.

در افغانستان نه تنها مهاجران اقتصادی وجود دارند؛ بلکه ما شاهد مخالفان اقتصادی نیز بوده ایم و جوانان بیکار صفوف مخالفان را تقویت کرده است. این همه تراژیدی است که حکومت جدید در برابر آن قرار دارد و اگر در رفع موانع بیکاری اقدام جدی و عملی صورت نگیرد، شاهد نابرابری های بیشتر در کشور خواهیم بود.

مردم از حکومت وحدت ملی می خواهند تا از شعارها بپرهیزند؛ زیرا وقت عمل فرا رسیده است. نمی شود مردم را با شعارها راضی نگه داشت و با وعده ها مردم را در انتظار گذاشت. باید بسیار کم سخن گفت و بیشتر کار کرد.

مرز بین خصومت و اختلاف در کشمکش های سیاسی افغانستان

□ وحید مژده

سخنان رئیس جمهور غنی که طالبان را مخالفین سیاسی دولت افغانستان خواند، در رسانه های وابسته به امریکا در افغانستان بازتاب گسترده داشت و با مخالفت مواجه شد. رئیس جمهور مخالفین مسلح دولت بخصوص طالبان را مخالفین سیاسی دولت نامید و افغان ها را یکسره وطن پرست خواند که این اشارهٔ وی طالبان را هم شامل می شد. در مقابل عده ای ضمن تاکید بر اینکه طالبان هیچ رابطه ای به افغانستان بعنوان اتباع این کشور ندارند و دشمن افغانستان اند، اشرف غنی را متهم به عدم درک درست مخالفت مسلحانه از مخالفت سیاسی نمودند.

استدلال این گروه این بود که مخالف سیاسی به شخص یا گروهی اطلاق می شود که قانون اساسی کشور را بپذیرد و در چهارچوب ارزش های مدنی برای رسیدن به قدرت سیاسی مبارزه نماید. آنانی که برای دسترسی به قدرت راه جنگ و خشونت را برگزیده اند، مخالف سیاسی نیستند و بنابراین با آنها باید بزبان خودشان یعنی زبان خشونت سخن گفت. «اختلاف» را می توان تحمل کرد اما «خصومت» قابل تحمل نیست.

سوال اینست که آیا این تعریف را که حتی در کشورهای غربی با تجربهٔ قرن ها نظام های دیموکراتیک نیز عملی نیست می توان در کشوری درگیر بحران چون افغانستان تعمیم بخشید؟

مگر انگلیستان که قدیمی ترین دیموکراسی دنیا را دارد با ارتش جمهوری خواه ایرلند IRA که علیه انگلیستان اسلحه برداشته بود، چه کرد؟

نگاهی به تاریخ معاصر افغانستان این نکته را روشن می سازد که خشونت در این کشور همیشه بر بستر اختلافات سیاسی رشد کرده و به همین دلیل مخالفت سیاسی همیشه تبارزی خشونت آمیز داشته و مرز بین خصومت و اختلاف در سیاست نامشخص بوده است. عمده ترین دلیل که همیشه اختلاف مسیر خشونت را پیموده است نیز واضح است و آن اینکه تجربهٔ نظام مردم سالار در طول تاریخ این کشور کوتاه مدت و توام با شکست بوده است.

تجربهٔ ده سال دیموکراسی در دوران سلطنت ظاهرشاه که به دههٔ دیموکراسی معروف است، نتوانست افغانستان را از مداخلهٔ خاندان سلطنتی در امر حکومت نجات دهد. حضور مخالفین سیاسی حتی در پارلمان نیز شکل نمادین داشت و این مسئله سرانجام مخالفین سیاسی را که در ظاهر قانون اساسی را هم پذیرفته بودند بر آن داشت تا راه زور را برای رسیدن به قدرت برگزینند و با حمایت از شهزادهٔ قدرت طلبی چون داوودخان دست به کودتا زدند و بساط رژیم سلطنتی را برچیننند.

بعد از این کودتا، گروه دیگر از مخالفین نظام که اسلامگرایان بودند علیه جمهوری داوود دست به اسلحه بردند زیرا رژیم هرگونه شراکت آنان در امر حکومت را منتفی می دانست.

چند سال بعد کمونیست ها یعنی همان هایی که داوود را به قدرت رسانیده بودند دست به کودتا زدند و با کشتن او و خانواده اش، رژیم جدیدی را در این کشور بمیان آوردند که به اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی انجامید.

نبرد مسلحانه علیه رژیم دست نشاندهٔ شوروی ۱۴ سال بطول انجامید. در طول این مدت رژیم کمونیستی از مخالفین مسلح خویش به نام اشرار و تروریست و باندیست نام می برد و هرگونه تمایل به صلح با آنان را خیانت می شمرد. وقتی ببرک کارمل به کمک نیروهای شوروی به قدرت رسید گفت که، اگر ما دست به این اقدام نمی زدیم و بساط ظلم حفیظ الله امین را بر نمی چیدیم، وی با اشرار و باندیست ها دست بدست هم می دادند و تمام دست آوردهای انقلاب عظیم هفت ثور را نابود می کردند.

در دوره ای که با هفت ثور ۱۳۵۷ آغاز شد مرز بین خصومت و اختلاف نامشخص بود و هر مخالفتی با رژیم دشمنی و خیانت تلقی می شد تا اینکه همین رژیم سرانجام مجبور شد تا در سیاست خود تغییر وارد آورد و داکتر نجیب سیاست مصالحهٔ ملی را اعلام نمود. او بارها با عجز ولابه از مخالفین خواست تا بیایند و در حکومت با وی شریک گردند. حتی وی حاضر شده بود تا پُست وزارت دفاع را به احمدشاه مسعود بدهد اما مخالفین حاضر به سازش نشدند و جنگ ادامه یافت.

در همان زمان هم تعدادی از اعضای قدرتمند در حزب دیموکراتیک خلق وجود داشتند که مجاهدین را بعنوان مخالفین سیاسی نمی پذیرفتند و خواهان تسلیمی آنان بودند. آنها به این باور بودند که مجاهدین به منافع کشورهای دیگر بخصوص پاکستان بیش از افغانستان متعهد اند و از خود هیچ اراده ای ندارند. این دسته از اعضای حزب حتی داکتر نجیب را به سازش و تسلیم در برابر مخالفین متهم می نمودند اما چون کرملین از این گرایش حمایت نمی کرد، آنها تجرید شدند و سرانجام رژیم داکتر نجیب هم سرنگون گردید.

سرنگونی رژیم نجیب سرآغاز جنگ های دیگری در افغانستان بود. این جنگ ها هیچ انگیزه ای جز قدرت طلبی و امتیاز خواهی سیاسی نداشت. حزب وحدت برهبری مزاری و حزب اسلامی برهبری حکمتیار با حکومت استاد برهان الدین ربانی درگیر جنگ شدند. این جنگ ها به این دلیل بود که هرجهت گمان می کرد برای رسیدن به قدرت، راهی جز جنگ ندارد.

اما بمیان آمدن گروه جدیدی به نام طالبان در صحنهٔ نا امنی های افغانستان موجب شد تا مخالفین مسلح سابق تمام مخالفت های خود را کنار بگذارند.

وقتی طالبان نود درصد از خاک افغانستان را زیر کنترول خود داشتند، جبههٔ متحد علیه آنان می جنگید، این جنگ ناشی از اختلاف سیاسی بود. دلیل جنگ آنان نیز این بود که طالبان از آنان می خواستند تا سلاح بر زمین بگذارند و تسلیم شوند و حاضر به تقسیم قدرت با آنان نبودند. مذاکراتی هم که آنها با طالبان بر سر تقسیم قدرت داشتند، به نتیجه نرسید.

بعد از یازدهم سپتامبر و حملهٔ امریکا به افغانستان، مخالف سیاسی یا اپوزیسیون سیاسی به معنی واقعی کلمه وجود نداشت. همه آنانی که در کنفرانس بُن در بنیان گذاری نظام جدید نقش داشتند، به شکلی در قدرت شریک بودند و اگر در مقاطعی در قدرت بصورت مستقیم شریک نبودند، از امتیازات بهره ای به کمال داشتند.

در کنفرانس بُن دو گروه یعنی طالبان و حزب اسلامی در تقسیم قدرت در نظر گرفته نشدند و آنان نیز اسلحه برداشتند و بار دیگر اختلاف سیاسی مجال حرکت به بستر خشونت یافت. این جنگ خونین روز تا روز شدت بیشتر می یابد.

امریکا که از مشکل اختلاف سیاسی و افتادن آن در بستر خشونت در افغانستان بخوبی آگاه بود، بعد از بروز اختلاف در نتیجهٔ انتخابات اخیر، پا درمیانی نمود و با تشکیل یک حکومت وحدت ملی، مخالفین سیاسی را باهم آشتی داد. دادن عنوان وحدت ملی به این حکومت نیز بی دلیل نبود زیرا می دانیم که حکومت وحدت ملی بیشتر میان جناح های درگیر جنگ در یک کشور که باهم به صلح می رسند، بمیان می آید.

***

چندین دهه جنگ در افغانستان نمایانگر این حقیقت است که صلح و امنیت را نمی توان از راه جنگ برقرار کرد و این تجربه ای است که دو قدرت بزرگ نظامی زمان — شوروی و امریکا — در آن پیروز نشدند. هردو در پایان کار مجبور شدند تا با مخالفین نظامی خود در افغانستان به مذاکره بپردازند.

حامدکرزی بارها از مذاکره با طالبان سخن گفت حتی زمانی که برادرش به قتل رسید و طالبان مسوولیت آنرا بعهده گرفتند، وی مذاکره را رد نکرد.

حکومت جدید هم راهی جز مذاکره و صلح با مخالفین مسلح ندارد و اینکه رئیس جمهور غنی طالبان را مخالفین سیاسی می خواند، زمینه سازی برای مذاکرات صلح با این گروه مسلح درگیر جنگ است. هرچند با امضای قرارداد امنیتی این دورنما نیز تیره و تار به نظر می رسد.



نگاهی به حکم دادگاه استیناف

و عوامل اساسی بحران کابل بانک

☐ **اندیشه**

دادگاه استیناف کابل روز سه شنبه تاریخ ۲۰ عقرب متهمان اصلی کابل بانک را به ده سال زندان و جریمهٔ نقدی محکوم کرد. شیرخان فرنود و خلیل الله فروزی رئیسان پیشین کابل بانک در حالی به ده سال زندان و پرداخت جریمهٔ نقدی مجازات شدند که یک دادگاه ابتدایی در سال ۱۳۹۱ آنان را به ۵ سال زندان محکوم نموده بود. دادگاه استیناف پس از دو روز کار پی در پی در یک محکمهٔ علنی و استماع حرف های متهمان، دادستان های مؤظف و کلای مدافع و تصفیهٔ کابل بانک حکم صادر نمود و یک مهلت فرجام خواهی به محکومین داد. بربنیاد این حکم شیرخان فرنود رئیس پیشین هیئت مدیرهٔ کابل بانک به جرم پول شویی و اختلاس به ده سال زندان و پرداخت ۳۳۴ میلیون دالر امریکایی به طور نقدی و خلیل الله فروزی رئیس پیشین هیئت عامل کابل بانک به ده سال زندان و پرداخت ۱۹۶ میلیون دالر امریکایی به طور نقد محکوم شدند. در عین حال دادگاه استیناف تمام جایدادهای منقول و غیر منقول تمام متهمان و کسانی را که دخیل در قضیهٔ بحران کابل بانک بودند، تا تصفیه حسابات شان مسدود نمود. این دادگاه همچنان دو شرکت خارجی را که در قضیهٔ بررسی کابل بانک دخیل بودند و گزارش های نادرست ارائه کرده بودند مورد پیگرد عدلی و قضایی قرارداد. پس از صدور حکم، خلیل الله فروزی به حکم دادگاه اعتراض نمود و آن را فیصلهٔ فرمایشی و سیاسی خواند. فروزی تعداد از افرادی را که به گفتهٔ او در بحرانی شدند کابل بانک دست داشتند نام برد و گفت اگر این دادگاه عادلانه می بود باید آنان اکنون در کنار ما در زندان می بودند. او از عمر زاخیل وال وزیر وزارت مالیه و سرپرست کنونی این وزارت و افرادی دیگری نام برد که در بحرانی شدن کابل بانک دست داشتند. اما سرپرست وزارت مالیه این اتهامات را رد نموده و آن را بی اساس خواند.

تازه گی های حکم دادگاه

چیزی‌که در حکم دادگاه استیناف تازه گی داشت، انجماد دارایی‌های محمود کرزی و حاجی حصین فهیم، سهم‌داران کابل‌بانک پیشین بود. افزایش مدت حبس آقایان شیرخان فرنود و خلیل‌الله فیروزی، از ۵ سال تا ده سال مورد دیگر تازگی حکم دادگاه استیناف بود. آقای زاخیلوال سرپرست وزارت مالیه و آقای حاجی دین‌محمد عضو شورای عالی صلح، در جلسات دادگاه استیناف از سوی رؤسای پیشین کابل بانک متهم شدند که به نحوی در بحران کابل بانک نقش داشتند. آقای زاخیلوال، در سال ۲۰۱۰ و در همان روزهایی که کابل‌بانک پیشین ورشکست شد، وزیر مالیه بود. روشن است که ایشان اطلاعات دقیقی در مورد چگونگی ورشکستگی کابل‌بانک پیشین دارند. بهتر بود ایشان همراه با سایر متهمان در دادگاه حاضر می شدند تا در مورد اتهام‌ها و سوال‌هایی که به آنان راجع است، پاسخ می دادند. فروزی، حاجی دین‌محمد را نیز در بحرانی شدن کابل بانک متهم نمود. آقای دین محمد که در سال ۲۰۰۹ رئیس کمپاین حامد کرزی بود به گفتهٔ مسوولان اسبق کابل بانک، موصوف بیشترین هزینه های پیکارهای انتخاباتی آقای کرزی را از کابل‌بانک تأمین نموده است. ایشان هم باید برای پاسخ‌گویی در مورد این اتهام ها در دادگاه حاضر می بودند. زیرا حاضر شدن در دادگاه و پاسخ‌گویی به سوال‌ها برای هیچ کسی عیب و کسر شأن شمرده نمی شود. زیرا در تمام دنیا معمول است که وزیران و حتی سران حکومت های پیشین و بر سر کار، در دادگاه ها حاضر می‌شوند و به سوال‌های قاضی‌ها و هیئت عدلی را در مورد کارکردهای‌شان پاسخ می‌دهند.

رئیس جمهور غنی در روز دوم کاری در فرمان شماره سوم خود قضیهٔ پی گیری پروندهٔ کابل بانک را مطرح کرد و یک ماه مهلت داد تا جوانب ذی دخل به قضیه رسیدگی نمایند. شتاب زدگی در حکم دادگاه در پرتو همین حکم و مهلت تعیین شده از سوی رئیس جمهور بود. آگاهان امور در مورد حکم دادگاه نظریات مختلف دارند. برخی ها آن را سیاسی و شتاب زده عنوان کردند و تعدادی هم به طرفداری دستگاه حکومت آن را در راستای تعهد رئیس جمهور جدید در امر مبارزه با فساد عنوان نمودند.

اگر خوشبینانه به قضیه نگاه کنیم رئیس‌جمهور غنی مسؤولیت دارد تا کسانی را که به ایشان نزدیک اند اما متهم در قضیه کابل بانک هستند جهت پاسخ گویی به رفتن به دادگاه ترغیب کند. اگر نزدیکان رئیس جمهور، مانند آقای زاخیلوال در دادگاه حاضر نشوند و به سوال‌ها پاسخ ندهند، این پرسش تقویت می‌شود که به جریان افتادن دوبارهٔ پروندهٔ کابل‌بانک، یک تصفیه حساب سیاسی بوده است.

اما چرا کابل بانک به بحران رفت

عملکرد ناسالم و غیرمسلکی هیئت رهبری بانک: عملکردهای ناسالم و غیر مسلکی مدیران اسبق کابل بانک یکی ازعوامل بود که در بحران مالی بانک نقش بسزایی داشته است. طوری‌که بسیار راه حل هایی توسط متحدالمال های بانک مرکزی و پیشنهادهای تیم های نظارتی بانک مرکزی ارائه شده بود نادیده گرفت شد و با سهل انگاری که صورت گرفت سبب بحران در کابل بانک شد. هم چنان سوق دادن بانک به سوی فعالیت های مخاطره آمیز و رقابت های ناسالم بانکی به منظور شکست رقبای اقتصادی فعالیت های نورماتیف و اصولی بانک را به چالش کشید.

تخطی های قانونی و مقرراتی: قوانین و مقررات بانک مرکزی طی سال هایی فعالیت کابل بانک، همواره از سوی مدیران آن زمان نادیده و مورد تخطی قرار گرفت. طور مثال: سرمایه گذاری مستقیم بانک در پروژهٔ دارای ظرفیت دراز مدت مثل پروژه های ساختمانی، تأسیسات نفتی وغیره از مسایلی بودند که در تضاد با قانون بانکداری قرار داشت.

انجام فعالیت های غیر مجاز بانکی: دخالت بانک در فعالیت های غیر مجاز خلاف مادهٔ ۳۴ قانون بانکداری باعث گردید، تا بانک سیالیت خود را در موقع بحران بزودی از دست بدهد و دچار رکود شدید گردد.

اجرای قروض به نام افراد مجهول الهویه: اکثراً قروض اجرا شده به نام های افراد و اشخاص مجهول الهویه بوده وطبعاً دارای چالش های بازیابی نیز می باشد. این موضوع باعث شد تا بانک نتواند در موقع مناسب دارایی های خود را دوباره بازیابی کند.

اجرای قروض به گونهٔ غیرمعیاری و بدون تضمین: قروض بانک اکثراً بدون معیارات قبول شدهٔ مقرراتی و بدون تضمین اجرا گردید. از یک طرف سرمایه های بانک به هدر رفت و از سوی دیگر شناسایی مقروضین را نا ممکن و پر درد سرساخت. به گونه‌یی‌که این موضوع یکی از چالش های اساسی ادارهٔ تصفیه کابل بانک کما کان می باشد و تا هنوز به این مشکل رسیدگی نشده مگر این که ارادهٔ قاطع در حکومت وجود داشته باشد.

اجرای قرضه‌های هنگفت برای سهم داران بانک: دلیل عمدهٔ دیگر که باعث بحرانی شدن بانک گردید، اجرای قروض هنگفت مرتبط به خود سهم داران است که از سوی مدیران اسبق کابل بانک اجرا شده و در پروژه های کلان و بلند مدت سرمایه گذاری نموده اند.

دست بردهای سازمان یافته در دارایی های بانک از طریق افراد متخصص خارجی: اشخاص و افراد متخصص خارجی در سمت‌های رهبری بانک استخدام شده بودند و بیشتر زمینهٔ اجرای قروض گروپی را مساعد نموده و در تخلیهٔ دارایی ها نقش ایفا کرد و در نهایت کابل بانک به این روزگار مواجه شد و به قول فردوسی:

از آن روزکه این خانه ویرانه شد
که نان آورش مرد بیگانه شد

رشد سرسام آور سپرده‌ها از طریق ایجاد حساب لاتری، عمل غیر معمول بانکی: ایجاد حساب لاتری به نام بخت حساب در پهلویی حسابات دیگر بانکی‌در کابل بانک، کاملاً یک فعالیت و ابتکار غیر معمول بانکی بود که خارج از ظرفیت بانک سپرده ها را رشد و هنگام بحران بزرگترین ضرر را متوجه بانک نموده است.

نفوذ سهم داران بانک در فعالیت های اجرایی بانک: نفوذ سهمداران در فعالیت های اجرای بانک کاملاً محسوس بوده است. مخصوصاً وقتی یکی از سهمداران رئیس هیئت مدیره و یکی دیگر رئیس هیئت عامل و هم اجرای قروض هنگفت گروپی به دیگر سهم داران نیز نمونهٔ بارز نفوذ سهمداران و سوء استفادهٔ شان می باشد.

سرمایه گذاری در پروژه های دارای ظرفیت متداوم مثل ساختمان ، شرکت هوایی، تأسیسات نفتی و غیره... هنگام بحران و قبل از آن بازدهی نداشته و فعالیت بانک را به رکود مواجه ساخت. مضاف بر آن ها، دخالت سیاست در سکتور اقتصادی و استفادهٔ ابزاری از کابل بانک از سوی سیاستمداران دست اول کشور و دخالت عمدی برخی از چهره های متعصب در خالی نمودن نقدینه گی این بانک و بحرانی شدن آن نقش به سزایی داشت.

په مشرتابه او انسان سازي کې د نبوي سيرت ونده

شپږ ویشتمه برخه

ژباړه: اجرالدین اقبال

د طبیعي سرچینو لومړنۍ وېش

طبیعـــي شـــتمنی پـــر دوو غټـــو برخو وېشل کېږي :

الـــف _د شـــتمنی طبیعـــي ســـرچیني؛لکه ځمکـــه، کانونـــه، سمندرونه، غرونه او چینې.

ب_نـــورې طبیعـــي شـــتمنی،چې پـــه ځمکـــه کـې خپرې ورې دي؛لکـه راز راز ځـــاروي، ونې،بـــوټي،تيږې او.....چـــې حيـــازت او تصـــرف يـــې اقتصادي چار دی.

د رسـول اکـرم يـوه سـتره موخـه دا وه،چـې انسـان تـه سـمه لار وښيي او پـه خصوصـي مالکيـت کـې يـې نيـت پـاک کـړي او د تـولنې لـه عمـــومي ښـــېگړو ســـره ســـمون ورکړي؛نـو ځکـه يـې وګړيـو تـه د طبیعـي سـرچینو د مالکيـت اجـازه نـه ورکولـــه؛بلکې عمـــومي يـــا دولتـــي زېرمـې يـې گڼلې،چـې چـا پکـې پـه کټنه کې پر بل امتياز نه درلود.

د اوبـــو د ســـرچينو،د ځنګلـــو د لرگيـو،د غرونـو د قيمتـي کـانو او د ځنـــاورو ښـــکار، زيـــاتره وخـــت د احتکــار لاملېـږي او پـــه اقتصـــادي کـار کـې نـه شمېرل کېږي؛لکـه څنګـه چـې د "حمـــی" لـــه لارې د طبیعـــي شـــتمنيو پـــر ســـرچینو، د وګړيـــو ځانګړی حق روا نه دی.

[((حمی))؛يعنـــي پـــه زور د طبیعـــي ســـرچینو(لکه غونـــډۍ او ځنګلونـو) تصـرف،چې نور ګټـې تـه پرې نه ږدي.]

د شـــهيد"محمد بـــاقر صـــدر" د((الاسـلام يقـود الحيـاة)) پـه۷۹ مـخ کـــې راغلـــي: پيغمبـــر اکـــرم د ((حمـــی)) اصـل لـه اسـلامي ټـولنې لـرې کـړ او و يـې ويـل: ((حمـی پـه خـدای او پـه اسـتازي پـورې يـې ځـانګړی دی او نـور څـوک يـې حـق نـــه لري))؛ځکـــه ((حمـــی)) د "حيـــازت" احتکـــاري بڼـــه ده او د طبیعـــي ســـرچينو "حيـــازت" د "احتکـار" يـو ډول دی؛نـه اقتصـادي چار.

اســـلام وګړيـــو تـــه يـــوازې ((احيـــا)) د حـــق د پيدابښـــت لامـــل ګڼي؛ځکـه احيـا د احتکـار پـر خـلاف اقتصـــادي چـــار دی او څـــوک چـــې دښـــته ابـــاده او خـــړوب کړي؛نـــو ځمکـه يـې احيـا کـړې او ګټـې تـه يـې چمتو کړې ده.

کـه ژونـدي کـوونکي څـه مـوده وروسـته دا چـار پرېږدي؛نـو ځمکـه شـاړېږي او نښـې يـې لـه منځـه ځـي او بيـا لـه وګړي،پـر ځمکـه د کـار او د ګټنې اجازه اخستل کېږي.

تحجير،چـې مخکـې مـو هـم ورتـه اشـاره وکړه،پـه بـې خاونـده ځمکـه کـې د تيـږو (چمبـر) څلـور ډېـوالی تـه ويـل کېـږي او هلـه ددي کـار کـوونکي تـه د حـق د رامنـځ تـه او يا شـرعي لارو، بې لـه کـارولو،د چـا پـه ٬واک کـې شـي؛نو يـوازې حيـازت يـې د مالکيـت اثبـات تـه کـافي نـه دی او هغـه بـه لـه عمومي مباحاتو او شتمنيو وي.

تولید او وېش

اســـلام توليـــد،وده او ډېروالـــی ددي خبـــرې پـــه پـــامنيوي يـــې ســـتايي،چې انســـان پـــر ځمکـــه د خدای ځايناستی ګڼي؛نـو هغـه توليد مجـاز ګڼي،چـې لـه دې مقـام سره پـه ټکر کـې نـه وي،چـې پـه همدې ځای کـې لـه نـورو مـادي ښـوونځيو سـره ستر اختلاف لري.

د پـــانګوالی موخـــه د توليـــد وده ده؛خـــو د اســـلام موخـــه د شـــتمنی راټولـــول نـــه دي؛بلکـــي شـــتمني د خلکـــو د ســـوکالی،د ټـــولنيز عـــدالت پلـــي کولـــو او توحيـــدي ټـــولنې د جوړولو لپاره غواړي.

پـــه دې اړه د اســـلام او نـورو ښـوونځيو تـوپير پـه دې کـې دی:

۱_د اســـلام لـــه نظـــره لازم دي،چـې د توليـد بنـې او تـرې لاس تـه راغلـي ټـولنيزې اړيکـې بې لـه انســـاني کرامـــت،طبيعي حقوقـــو او کېـدو لامـل ګرځـي، چـې پکـې د احيا چارې پيل کړي.

پيغمبـــر اکـــرم "حتکـــار" حـــرام کړ او پر "محتکر" يـې لعنـت ووايـه او د غلـــه يـــا هغـــه پـــه څېـــر يـــې وګانـــه،چې پر خـدای ايمـان نـه لـري او و يـې ويـل: ((د خـدای د کتـاب لـه مخې،هغـه د ملحـد پـه څېـر دی،چـې زمـوږ د مسـلمانانو پـه بـازار کـې احتکـــار کـــو ي)) (۱۱۲) څـــوک چـــې مـــال د ګرانېـــدو لپـــاره ٤٠ ورځـــې احتکـــار کړي؛خـــدای تـــرې بېزار دی)) (۱۱۳)

خـوراکي تـوکي لېږنـد مـواد دي او کـه لېږنـده شـتمني بـې لـه زيـاره



مـــانيزو ارزښـــتونو ســـره اړخ ولګوي؛نـو ځکـه پـه اسـلام کـې لـه ښـخو او ماشـومانو،په کمـه بيـه کـار اخسـتل روا نـه دي، چـې پـه پانګوالـه ټولنـه کـې دود دی او پـر ټولنـه منفـي اغېز لري.

۲_ پـه اسـلامي اقتصـاد کـې،د پـانګوالی پـر خلاف،توليـد يـوازې د بـازار د غوښـتنې تـابع نـه دی؛بلکـي هڅـــه کېـــږي،د خلکـــو ژونـــدنۍ اړتياوې،پـه پراخـه کچـه توليد شـي او پـــه دې اړه د بـــازار غوښـــتنې او شرايطو ته پام نه لري.

پيغمبـــر اکـــرم ويـــل:((ســوداګرو! سـر مـو را پورتـه کـړئ! لار مـو روښـانه ده، تاسـې ټـول بـه د قيامـت پـر ورځ فاسـق او خـاين راپـاڅېږئ؛خو هغـوی چـې پـه سـوداګرۍ کـې يـې رښـتينولي جامـه کړې وي.))

اســـلامي اقتصـــاد،د بـــدايانو د هوســـاينې لپـــاره د ســـينګاري توکيـــو توليـد تـه تنـدی نـه ورکـوي او نـه يـې ښـه ايسـي؛خو پـانګوالي يـې پـه توليـد لاس پـورې کـوي،چې لـه اسـراف کوونکيـو ګټـه او د حيـاتي توکيـو لـه توليده لاس واخلي .

د خـدای اسـتازي وويل:((خـدای تعـالی بنـدګان لري،چـې نعمـت يـې وربښـــلی او تـــر هغـــه،چې دوی بخشـش لري؛نـو نعمـت يـې پـه لاسـو کـې وي او چـې بخـيلان شـي؛نو نعمت بـه تـرې واخسـتل شـي او نـورو ته به ورکړ شي.))

۳_ کلـه پـه پـانګوالې نـړۍ کـې،د يـو مـال د زياتېـدو او کـړکېچ د پېښېدو پـر مهال،يـا د مـال توليـد پـه ټپـه درولي او يـا يـې لـه منځـه وړي،چـې بيـه پـه مناسـبه کچـه کـې پاتې شي.

[ژبـاړن:د امريکامتحـداياالات پـه نـړۍ کـې د غنمـو د مناسـبې بيـې ساتلو تـه د کـال ډېـر غـنم سمندر تـه ورغورځوي،حـال دا چـې پـه نـړۍ کې ډېر انسـانان ان يـو کـپ ډوډۍ هم نـه لري؛نـو چېرتـه دي د بشـر حقـوق او شعاورنه يې !)

خـو پـه اسـلامي اقتصـاد کـې د توليـد او لګښـت تـرمنځ دومـره واټـن نـه شـته او اسـلام کوښـښ کـوي د توليـــدوونکيو او لګوونکيـــو تـــرمنځ واټن لږ کـړي. لنډه دا چې پـه اسـلام کـې توليد بايـد د انسـان پـه چوپړ کـې وي؛ نـه انســان د توليـد پـه چوپړ کې.

مبادله او لګښت

مبادلـه د مـال د پيدايني وسيله نـه ده؛بلکـي لـه يـو بـل سـره يـې بـدلول دي.پـه بلـه وينـا: مبادلـه وګـړي تـه نـوې پانګـه نـه راوړي؛بلکـي د خپـل توليـد يـوه برخـه د نـورو لـه توليداتو سـره بـدلوي او خپلـې اړتيـاوې پـوره کوي.

پخـوا چـې د توکيـو بـدلول،بې لـه پيسـو ترسـره کېـدل؛ درې لانـدې ځانګړنې يې درلودې:

۱_ د پيـدايني او لګښـت تـرمنځ واټن نه و.

۲_ د توکيـو لـر مهالـه زېرمـول شوني نه وو.

۳_د مبـادلې چـار د خلکـو کسـب نه و.

ادامه لری

دیدارهای از قبل اعلام ناشدهٔ رئیس جمهور غنی

ثامر

در طول سیزده سالی که گذشت سفرهای غیر منتظرهٔ مقامات کشورهای خارجی را هر ازگاهی از طریق رسانه ها می شنیدیم که مقامی از فلان کشور در یک سفر غیر مترقبه و از قبل اعلان ناشده وارد افغانستان گردیده، از فلان پایگاه شان در فلان ولایت دیدار نموده اند. یکی از این سفرهای غیر مترقبهٔ مقامات بلندپایهٔ خارجی را دو هفته پیش نیز شاهد بودیم که وارد افغانستان شد.

اما بعد از اینکه محمد اشرف غنی بر کرسی اقتدار تکیه زد، دیدارهای غیر مترقبه و از پیش اعلام ناشده را به ادارات دولتی آغاز کرده است. بدون آنکه مسوولان اداره ها در جریان باشند و ترتیبات و آمادگی بگیرند و همه حاضر وظیفه باشند، راه ها بروی عابرین بسته شود و جاده ها مسدود گردد، سری به اداره ای می زند و مشکلات آن اداره را از نزدیک می بیند و پیشنهادهای مسوولان و کارمندان را استماع می نماید. اینکه در ساحهٔ عمل چه اندازه موفق خواهد بود، گذشت زمان به آن پاسخ خواهد داد.

این عمل رئیس جمهور غنی واقعاً ستودنی و دراین اواخر بی سابقه می باشد. مسوولان اداره های دولتی را نگران ساخته و خواب از چشمان شان ربوده است. همگی می خواهند سر وقت حاضر وظیفه و آماده باشند تا نشود رئیس جمهور گاه و بیگاه بسراغ شان برسد و غافلگیر شوند. حتی از برخی مکاتیب شهر کابل اطلاع دارم که در تمیز سازی و نظافت خیلی ها جدی شده اند و حتی بجای شیشه های درز رفته، شیشه های جدید را با پول شاگردان، نصب کرده اند. جالب است، به گفتهٔ یکتن از شاگردان یکی از مکاتیب شهر کابل، چند شاگردی که در وقت رسمیات درسی در صحن مکتب بودند یکی از معلمان برایشان با جدیت گفته است، برو که اشرف غنی می آید. این گفته هرگاه از روی شوخی و مزاح هم باشد، یک اقدام خوب و نکو است.

دیده می شود، متضررینی که در دوران حکومت سابق، اعتراض های شان ناشنیده باقی مانده است، رئیس جمهور غنی به شخص متضرر تلفنی تماس می گیرد، و حتا حاضر است از نزدیک با ایشان ملاقات کند، وعده می دهد قضیه را پی گیری و مجرمین را مجازات نماید.

رئیس جمهور غنی، در اولین روزی که به اقتدار رسید خطبهٔ اولین خلیفهٔ مسلمین حضرت ابوبکر صدیق را به خوانش گرفت که آن حضرت پس از بیعت، روی منبر رسول خدا ایستاد و پس از اینکه خدا را سپاس کرد و پیغمبرش را ستود، فرمود: ای مردم همانا من اکنون حکمفرمای شما شدم، ولی نمی خواهم ازاین جهت که حکمفرما هستم خود را بهتر از شما بدانم، پس هرگاه در انجام امورتان خوب کارکردم، مرا یاری کنید و هرگاه بد کار کردم، مرا به راه رست راهنمایی کنید، راستی امانت است (باید رعایت کرد) دروغ خیانت است (باید ازآن پرهیز کرد) هر ضعیف و ناتوانی از شما نزد من قوی و توانا است تاآنگاه که ان شاءالله حقش را از ستمکار گرفته به او بازگردانم و بالعکس هر شخص قوی از شما نزد من ضعیف و ناتوان خواهد بود تا آن که ان شاءالله حق ستمدیدگان را از او بازستانم...

از همان ابتدای تشکیل حکومت وحدت ملی، -بعد از تحلیف- این خطبه که پیام و تعهد بزرگی را به ارمغان دارد، رئیس جمهور غنی خود را متعهد به این امر مهم اعلام داشت، تا جایی به بی باورها خاتمه داد و آنانی که سالها در برابر ظلم قلدران و جنایت پیشه گان و قانون شکنی ها و فساد، توان ایستاده گی و احقاق حقوق شان را نداشتند، فال نیک گرفتند.

بیایید همه از این سرودهٔ فردوسی بزرگ، استقبال کنیم و خود را به آن پابند بدانیم که گفته است:

بیا تا جهان را به بد نسپریم
به کوشش همه دست نیکی بریم
نباشد همی نیک و بد پایدار
همان بِه که نیکی بود یادگار

ورځ تر بلې د نا امنیو ډېرښت!

له کومې ورځې راهیسې چې په هیواد کې د دریم ځل ولسمشریزو ټاکنو د پایلو د اعلان په نتیجه کې نوې واکمنې رامینځته شوې او ولسمشر غني د خپل واک په لومړۍ ورځ د امریکایانو سره امنیتي تړون په کومه بېړه لاسلیک کړی، ورسره سم د هیواد په بېلابېلو برخو کې په عامه توګه او په مرکزي ولایتونو او پلازمینه (کابل) کې په ځانګړې توګه د نا امنۍ پېښې او چاودنې ډېرې شویدي. په تېره اونۍ کې د سه شنبې تر ماښامه (په څلور ورځو کې) یوازې په کابل کې څلور چاودنې رامینځته شوې، چې له ټولو زیاته حیرانوونکې یې د امنیه قوماندانۍ دننه د کابل د امنیه قوماندان په دفتر کې د یو بریدګر ځانته چاودنه ورکول وو، هغه مهال چې خپله امنیه قوماندان د ځینو بهرنیو امنیتي مسؤلینو او مشاورینو سره د مشورې یوه ناسته لرله خو د دفتر رئیس یې محمد یاسین د دې برید قرباني شو؛ همدارنګه د دوشنبې په ورځ بیا په کابل کې د استاد رباني د ښوونې او روزنې پوهنتون مخې ته د پوې چاودنې سربېره (چې له نېکه مرغه د سر سري تېپې کېدو پرته یې ډېر تلفات نه لرل) په ننګرهار ولایت کې د جلال آباد - طورخم په لویه لیار د پولېسو د روزنیېز مرکز د استادانو په یو موټر برید ترسره شوی وو، چې د دریو استادانو په شمول څمونږ څلور تنو هیوادوالو پکې ژوند له لاسه ورکړ، بله دردوونکې پېښه وه او د ښار دننه سپین غر سینما خوا کې د یو غریب مزدور کار زرنج په هاوان مرمۍ لګیدل او د هغه شهید کېدل بله دردوونکې پیښه وه. همدارنګه د لوګر په ولایت کې د یو قوماندان په ګډون، اوه تنه نور پولیس د یو بلې حملې قربانیان وو چې له دې سر بېره ټپیان یې هم لرل.

په څلور ورځو کې دغه ډول پېښې پداسې حال کې رامینځته کیږي چې ورځخه یوه اونۍ وړاندې د کندهار ولایت په پوهنتون کې د کندهار ولایت د والي مرستیال (پټیال) په یوه درسي خونه کې ټارګټ وګرځیده او هم د سه شنبې په ورځ په همدې ولایت کې د میرویس هوتک د لیسې مدیر او په ننګرهار کې بیا د مهمند درې په ولسوالۍ کې ولسوالۍ ته نږدې یو تن وژل شوی موندل شوې وو، چې د سیمې خلکو د امنیې قوماندانۍ مخې ته یوه ورځ د احتجاج په توګه د نوموړي شخص مړی ایښی وو. او دې ته ورته پېښې په جنوب لویدیځ ولایت هرات او ځینو شمالي ولایتونو کې هم رامینځته شویدي، چې د پېښو دغه ډېرښت د طالبانو د هغه دړکې ثبوت ګرځي چې افغان دولت یې د امنیتي تړون د لاسلیک کولو په صورت کې کړې وه؛ چې که چېرې امنیتي تړون لاسلیک کړای شي نو دوی به خپل بریدونه لاپسې ډېر کړي او هماغسې یې وکړای شو.

خو افغان ولس چې د نوې واکمنۍ د رامنځته کېدو، سره سم ددې هیله لرله چې ښایې نا امنۍ به نورې کمې شي او د امنیتي تړون په لاسلیک کولو سره به ښایې د دولت د وسله والو مخالفینو د بریدونو مخنیوي لپاره امریکا رول ولوبوي. هغه هیلې په ناهیلیو بدلې شوې او د دولت سره اوس لدې پرته بله چاره پاتې نشوه چې د ښاروالۍ کارونو د ښه کولو لپاره د مشورې په نیت د کابل ښاریانو د رابلل شوي غونډې په څېر، داخل د کورنیو چارو وزارت، د ځینو مدني ټولنو او نظامي کارپوهانو یوه ګډه غونډه د مشورې لپاره راوغواړي. څو د نا امنیو د ورځ تر بلې ډېریدونکو پېښو مخنیوي لپاره طرحې وړاندې کړي. د غونډې څخه د راپورته شوو پېشنهادونو او د نا امنیو د پېښو د ډېروالي د عواملو په څېړلو کې دا خبره هم جوته شوه چې یو عامل هم د کشفي ارګانونو په خپل وظیفوي مسوولیت کې پاتې راتګ دی او دا خبره رېښتیا هم تر ډېره بریده ځای لري؛ ځکه د داسې بریدونو مخنیوی کول چې بریدګر پکې ځان هم وژني، د کشفي ارګانونو او ټېنګو استخباراتي هڅو پرته ممکن نه برېښي.

نو ځکه له یوې خوا دولت ته پدې لیار کې د پرتو خنډونو دلېرې کولو اړتیا ده؛ ولې چې وروستیو بریدونو دا وښوده چې کله وسله وال مخالفین د کابل د امنیه قوماندانۍ په څېر امنیتي مرکز ته ننوتلی شي، چې ورته د ننوتلو د مخه څو ځایه تالاشي ترسره کیږي او بیا له بهره داسې کسان څنګه د کابل ښار ته راننوځي؟ دا ټول پدې دلالت کوي مخالفین له نظامي مرکزونو سربېره په مختلفو ځایونو کې ملګري لري، دا چې د دې لامل څه دی؟ هغه له هر هیواد وال څخه پټ ندی؛ ځکه په دولت کې پراخه اداري فساد، په زندانونو کې دبې ګناه خلکو په ساتلو او شکنجه کولو سره نور هم زندانونه د ورانکاریو او نا امنیو ډېرولو لپاره یو انګیزه ورکوونکې لامل ګرځي؛ همدارنګه د ځینو رسنیو لخوا د داسې پروګرامونو خپرول چې د افغاني کلتور او اسلامي ارزښتونو سره اړخ نه لګوي، بل عامل دی. همدانګه په قضاء او څارنوالۍ کې په ځانګړې توګه د فساد خپراوی او د ټولنیز عدالت تر پښو لاندې کول او د مخدره کولو ډېرښت، چې په خپل وار سره د مخالفینو لپاره اقتصادي مټ برابروي، ټول هغه څه دي چې د دولت د مخالفینو په ډېرولو کې آغیزمن رول لري او په ځانګړې توګه د امنیتي تړون په بېړه لاسلیک کول، پرته لدې چې افغان دولت ته په لاس ورکوونکې ګټې او زیانونه یې یو ځل بیا څېړل شوي واې، په لوې لاس کندې ته د غورځیدو زمینه برابروي او زمونږ د ګاونډیانو لخوا په ظاهره پدې هکله چپه خوله پاتې کېدل او یا نېوکه نه کول ضروري نده چې دا به د هغوي د زړه خبره وي؛ ځکه د امنیتي تړون په لاسلیک کولو سره خو د افغانانو د دښمنانو لپاره جګړې ته د ادامې ورېخښلو لپاره مبررات (دلایل) او خام مواد په لاس ورځي. نو ځکه دا هم اړینه ده چې افغان دولت د مشورو لپاره په راتلل شوو غونډو کې د مختلفو فکرونو لرونکي افغانان هم وبلي، څو د افغان وژنې دغه جګړې ته د پای ورکولو په منظور مثبتې او مؤثرې مشورې ورکړي او د نا امنیو د پېښو په ډېرښت کې د وړو عواملو پرځای د ستر عامل په پېژندلو سره لازمې مشورې رامینځته شي.

تفاوت میان آموزش و ...

تربیت شامل رشد جسمانی، بدنی و نیرومندی فزیکی انسان است که باید به آن رسیده گی شود. حرکات و جنبش های منظم، تمرین و ورزش و توجه به جسم انسان باعث قوام انسان می گردد، چنان که اخلاق خوب و پسندیدهٔ انسان تنها از راه تلقین و تعلیم فضایل به دست نمی آید؛ بلکه ممارست و برخورد با حوادث و مواجه شدن با موقفیت های فکری، اجتماعی و ارتباط با افراد و جامعه و اشتراک در مساعی به آنها در بر ثمر رسیدن به فضایل اخلاقی، نقش موثر دارد.

از قدیم گفته اند که عقل سلیم در بدن سالم است. به گفتهٔ دیگر، تربیت محدود می گردد به ایصال و انتقال معلومات به اذهان شاگردان. در تعلیم معلم و استاد در حوزه و دورهٔ معلومات خود عمل می کنند، شاگرد و محصل در برابر او ساکت می نشیند و سخنان او را نصب العین کارهای عملی خویش در آینده می سازد و تنها به گفته های او عمل می نماید؛ در صورتیکه تربیت شاگرد و محصل را وا می دارد که شخصا عمل نمایند و به منظور حل مشکلات بیاندیشند. تعلیم این نقش را به عهده دارد که فقط اذهان شاگردان و محصلان را با معلومات و کارهای فکری مجهز سازند و وظیفهٔ استاد و معلم در مجهز ساختن ذهن شاگردان با معلومات و معارف مختلف محدود می گردد؛ اما تربیت عنایت و اهتمام به تمایلات فکری و استعدادهای متنوع شاگردان می باشد.

تعلیم در جامعهٔ امروزی ما به ویژه در افغانستان و سایر کشورها فقط آماده سازی شاگردان و محصلان برای اشتغال به حرفه، پیشه، قبولی و پیروزی به امتحان خلاصه می شود؛ در حالیکه تربیت می خواهد تا شاگردان و محصلان را به اصل و هدف زنده گانی رهنمون می سازد، تا زنده گی مسالمت آمیز را به دیگران در صلح و آرامش و بهره مند شدن از یک زنده گی سالم آماده سازد. به سخن دیگر تربیت فقط به عنوان ابزار در زنده گی عمل نمی کند؛ بلکه جنبه های انسانیت و لطایف انسانی را توسعه می بخشد.

عراق ته د امریکایي پوځونو بیا لیږلو پریکړه

شفیق

وروسته له هغې چې د عراق پارلمان پریکړه وکړه چې باید امریکایې پوځونه یې له هیواد څخه ووځي. نو عراق د کورنیو جګړو یو داسې ډګر و ګرځیده چې لامله یې عراقي ولس د صدام حسین رنګ کړای شوي مستبد رژیم ته دعاء پیل کړې؛ ځکه د امریکایې یرغل په پایله کې په عراق کې واک نوري المالکی ته په لاس ورتللو سره په اهل تسنن او کردي وګړو بېدریغه ظلمونه پیل شول او د خپل مذهبي لړکي د ګټو د خوندیتوب لپاره المالکی د غیر شیعه وګړو میشتو سیمو کې نا امنۍ رامنځته کړې؛ د عراق په بېلابېلو سیمو او په ځانګړې توګه په سني اکثریت میشتو سیمو کې بالاخره د نا امنیو څپې مسجدونو ته هم ورسیدې؛ هره ورځ پدغه هیواد کې د وېر تغر غوړیدلی وو او له کورنیو جګړو څخه امریکا د دې لپاره خوند اخسته چې ولس یې له خپل هیواد څخه د امریکایانو د ویستلو پریکړه کړې وه.

عراقي ولس د نوري المالکي له رژیم څخه د تنګ راتللو لامله نوموړی په روان کال کې دې ته اړ کړ چې د صدراعظمۍ له څوکۍ څخه نور لاس په سر شي او د اوږدې مودې لپاره د صدراعظم، د پارلمان د رئیس او صدراعظم د مرستیال په څوکیو باندې د اختلاف لامله عراقي پارلمان په لومړي سر کې پاتې راغی خو بلاخره نږدې درې میاشتې وړاندې د حیدر العبادي په صدراعظمۍ اتفاق وشو او پدغه کار له امریکا سربېره، ایران او سعودي عربستان هم خوښي څرګنده کړه او دا هیله پیدا شوه چې ښایې په عراق کې د دولسو کلونو راهیسې نا امنۍ به نورې ختمې شي. خو پدغه موده کې د نوري المالکي مذهبي تبعیضي چلند عراقیان تردې بریده رسولي وو چې په هیڅ صورت به مذهبي او فرقه ایزې جګړې پرېږدي او په ګاونډ کې د بشارالاسد د هغه بعثي رژیم پرخلاف د سوریې د ولس پاڅون د واکمن رژیم لخوا د روسیې، ایران او لبنان په مرسته ځپلو او ورته د امریکا نندارې، نه یوازې دا چې د سوریې د ولس سره د امریکا څېره ښکاره کړه بلکې د عراق او سوریې مظلومو ولسونو د اوبتیله چې سره لاس یو کړي او عراق کې د امریکا د لاسپوځي او په سوریه کې د پخواني شوروي اتحاد وارثې روسیې او شیعه ګاونډیانو له ملاتړ څخه برخمن هغه بعثي رژیم پرخلاف په سیمه کې د یو نوي اسلامي دولت اعلان وکړي چې امریکایې هم په وړاندې د چوپتیا په خپلولو سره د پردې ترشا یو ډول ملاتړ کوي

د داعش (د عراق او شام اسلامي دولت) عملیاتو ورځ تر بلې په یوه میاشت کې دومره پراختیا وموندله چې ټوله نړۍ یې هک پک ځانته حیرانه کړه او لامله یې پر خلاف د امریکا په ګډون ټولې لویدیځې نړۍ د یوې پراخې جبهې جوړولو ته بیا ونېوله چې پکې د ځینو عربي هیوادونو لکه سعودي او اماراتو سربېره د لویدیځې نړۍ مطرحو هیوادنو لکه المان، فرانسې، کاناډا او استرالیا هر یو په خپل خپل وار سره د دغې ډلۍ د مراکزو ځپلو لپاره له خپلو هوایي ځواکونو څخه کار واخست او د ځپلو لپاره یې د کردي عراقیانو پېش مرګه ډلې ته تجهیزات هم ورکړای شو، هغه کار چې د ترکې دولت هم زړه نازړه دې جګړې ته د وردانګلو لپاره احتیاطي دریځ نیولو ته اړ کړ. خو د یو سل او شلو په شاوخوا کې د امریکایي پوځ یوه دسته لومړۍ د مشورتي ډلې په توګه سیمې ته ورغله او د انبار په شاوخواکي یې استخباراتي او مشورتي کارونه پرمخ بوتلل مګر تر دا مهاله د امریکایي پوځونو لخوا څو ځلې د داعش په ډلې باندې ترسره شوو هوایي بریدونو ونشو کړای چې د دغه ډلې د وړاندې تګ مخه ونیسي (که څه هم د ترکیې پولې ته نږدې د سوریې کوباني ښار کې یې ددوی د پرمختګ څه نا څه مخه ډب کړې ده)؛ کوم کار چې اوس امریکا دې اړ کړه چې یو ځل بیا عراق ته خپل یو نیم زر پوځونه ولیږي، څو د عراقي دولت سره یو ځای د دغې ډلې د پرمختګونو مخه ونیسي: هغه کار چې امریکا یې تصور هم نه کولو؛ ځکه امریکا لکه چې په افغانستان کې کومې لاسته راوړنې نه دي درلودلي، په عراق کې یې هم پوځي شتون ورته له ناکامۍ پرته څه په لاس ندي راوړي. خو د داعش چټکو عملیاتو یوځل بیا دغه قمار وهلو ته اړ کړې او ددې لپاره چې نړیوالو ته د داعش ډلې پرخلاف روانې جګړه کې خپل صداقت وښایې. له دغه شمېرې څخه یې پنځه سوه پوځیان لیږلې دي؛ چې که له یوې خوا دغه کار د خپلو متحدینو لپاره یې ډاډ بخښي خو دبلې خوا د بشار الاسد د رژیم لپاره هم ډاډ وربخښي، هغه چې لا تر دا مهاله یې د واکمنۍ بقاء د امریکا لپاره یو پېغور دی؛ ځکه امریکا په آغاز کې د دې رژیم د پرځولو لپاره بدې راوهلې وې خو کله یې چې ولیدل چې له سقوط وروسته به یې ځای ناستي د امریکا په اند افراطي د النصرة په څېر ډلې او یا په عامه توګه اسلامپال اوسي نو امریکا خپلې خوا خوږۍ او نظامي مرستې د بشارالاسد د رژیم د مخالفینو سره هم کمې کړې.

نو اوس چې امریکا په سیمه کې د یو داسې دښمن د عملیاتو مخنیوی لپاره پوځونه رالیږي، چې د عراقي دولت دښمن دی، هغه چې د امریکا لاسپوځي دی نو همدغه دښمن یې بیا سوریه کې د پخواني دښمن بشارالاسد رژیم سره هم جګړه کې ښکیل دی، چې د امریکا همدغه پالیسي د امریکا د سنا په مجلس کې د اختلاف رااوجتیدلو لامل ګرځیدلی او ځینې امریکایي مقامات او د کانګرس غړي د امریکا دغه عمل د بشار الاسد د رژیم د دوام لامل او ډاډ ګڼي او په نړیوال سیاست کې امریکا په ګوته کوي؛ ځکه چې له یوې خوا د سوریې مظلوم ولس د بشارالاسد د رژیم لخوا ټکول کیږي او د بلې خوا د امریکا او لویدیځې نړۍ لخوا د امریکا همدغه دوه مخې پالیسي پرمخ بېول په عراق او سوریه کې د داعش ډلې پرمختګ ته انګیزه برابروي او د سوریې او عراقي ولسونو په وړاندې د امریکا څېره په ډاګه کوي؛ چې د کمزوري سره د ملاتړ په ځای د ظالم او مستبد لاس نیسي او د همدغه ملاتړ په مټ همدا تېره اونۍ هم د بشار الاسد رژیم په خپلو مخالفینو باندې په ټنونو بیلري بمونه استعمال کړي، هغه کار چې د بشري جنایتونو انتهاء ګڼل کیږي

متن پیمان امنیتی کابل - واشنگتن ۴

ماده هشتم؛ حق مالکیت

.1نیروهای ایالات متحده تمامی تأسیسات و مکان‌های توافق شده، به انضمام بخش‌هایی را که در آن تعمیرات، ساختمان‌های غیرمنقول و اجزای ثابت دیگر از سوی این نیروها اعمار، تعدیل، و یا ترمیم گردیده و دیگر مورد استفاده آن‌ها قرار ندارد، به افغانستان واگذار می‌کند. اما، نیروهای ایالات متحده نیاز به این تأسیسات و مکان‌های توافق شده را به صورت منظم مورد ارزیابی مجدد قرار می‌دهند. طرفین یا نمایندگان اجرایی‌شان در مورد شرایط بازگرداندن این تأسیسات یا مکان‌های توافق شده باهم مشورت می‌کنند. طرفین توافق دارند تا به منظور تأمین مصونیت و بهداشت انسان‌ها و حفظ محیط زیست، از روش‌های وقایی و نه واکنشی استفاده کنند. طرفین باور دارند که سیاست‌ها و روش‌های ایالات متحده به گونه‌ای طرح شده است که از چنین آسیب‌ها و خطرات جلوگیری می‌کند، اما در عین حال توافق دارند تا سیاست‌ها و شیوه‌های هر جانبی را که بیشتر محافظتی باشد، تطبیق نمایند. نیروهای ایالات متحده مطابق با سیاست‌های خویش، اقدامات فوری را جهت رفع اثرات جدی که متوجه مصونیت و سلامت انسان‌ها ناشی از آلودگی محیط زیست در اثر فعالیت این نیروها در مکان‌ها و تأسیسات توافق شده گردیده است، اتخاذ می‌نمایند.

.2تمامی تعمیرات، ساختمان‌های غیرمنقول و اجزای دیگری که از جانب نیروهای ایالات متحده ساخته، تعدیل و یا مرمت شده‌اند، صرفاً برای استفاده نیروهای ایالات متحده، قراردادی‌های این نیروها و کارمندان قراردادی آن‌ها و یا افراد دیگری که مورد توافق قرار گرفته باشد، اختصاص دارند. تمامی تعمیرات، ساختمان‌های غیرمنقول و اجزای دیگری که ازجانب نیروهای ایالات متحده ساخته شده و یا برای دسترسی و استفاده این نیروها فراهم گردیده است، می‌تواند توسط نیروهای ایالات متحده مرمت و تغییر یابند و این نیروها می‌توانند تا زمانیکه به این تأسیسات نیاز دارند به گونه اختصاصی از آن‌ها استفاده کنند.

.3نیروهای ایالات متحده و قراردادی‌های آن‌ها حق مالکیت بر تمامی تجهیزات، مواد، اکمالات، ساختمان‌های منقول و سایر دارائی‌های منقولی را دارند که این نیروها و قراردادی‌های آن‌ها به خاطر حضور در قلمرو افغانستان نصب، وارد و یا آن را تأمین کرده‌اند. طرفین در مورد تحویل ممکن و یا خریداری تجهیزات اضافی توسط افغانستان طوریکه قوانین و مقررات ایالات متحده اجازه می‌دهد، باهم مشورت می‌کنند.

ماده نهم؛ جابجایی و ذخیره وسایل و تجهیزات

.1افغانستان به نیروهای ایالات متحده اجازه می‌دهد تا وسایل، تجهیزات و اکمالات خویش را در داخل تأسیسات و مکان‌های توافق شده و دیگر محلات مورد توافق طرفین، جابجا کنند. نیروهای ایالات متحده حق مالکیت و کنترل بر استفاده و تعبیه وسایل، اکمالات و تجهیزاتی ذخیره شده در قلمرو افغانستان را داشته و نیز حق دارند این وسایل را از قلمرو افغانستان خارج کنند.

.2نیروهای ایالات متحده تعهد می‌کنند که تمامی معیارها، مقررات و قوانین ایمنی افغانستان را رعایت کنند. نیروهای ایالات متحده طبق قوانین و مقررات نافذه این کشور، تمامی اقدامات لازم را برای حفاظت و ذخیره مصون تجهیزات، اکمالات و مواد دارای ماهیت خطرناک اتخاذ می‌کنند. نیروهای ایالات متحده طبق سیاست‌های مربوط، اقدامات لازم را برای این ۲ منظور اتخاذ می‌کنند: (۱) پاک کردن زباله از مکان‌ها و تأسیسات توافق شده و (۲) رسیدگی به تأثیرات بهداشتی و مصونیتی ناشی از آلودگی محیط زیست در اثر فعالیت‌های نیروهای این کشور در داخل مکان‌ها و تأسیسات توافق شده؛

.3ایالات متحده با در نظر گرفتن تعهدات خویش طبق کنوانسیون منع گسترش، تولید، ذخیره و استفاده از تسلیحات شیمیایی و تخریب آن، منعقد شده در تاریخ ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ پاریس، و طبق کنوانسیون منع گسترش، تولید و ذخیره تسلیحات بیولوژیکی و سمی و تخریب آن، منعقد ۱۰ آپریل ۱۹۷۲ واشنگتن، لندن و مسکو، توافق می‌کند که تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی را در قلمرو افغانستان ذخیره نمی‌کند. طرفین تأکید می‌دارند که ایالات متحده آمریکا، اسلحه هسته‌ای را در قلمرو افغانستان مستقر و یا ذخیره نمی‌کند.

ماده دهم؛ تردد وسایط، کشتی‌ها و هواپیماها

.1افغانستان حق حاکمیت کامل بر حریم هوایی، زمینی و آبی خود را دارا می‌باشد. اداره و مدیریت حریم هوایی و چگونگی حمل‌ونقل هوائی افغانستان توسط مقامات ذیصلاح این کشور صورت می‌گیرد.

.2با حفظ کامل حق حاکمیت خویش، افغانستان دستورالعمل‌هایی را برای تنظیم مسائل مربوط به اجازه ورود، خروج، عبور از فضا، سوخت‌گیری هوایی، نشست و برخاست هواپیماهای حکومت ایالات متحده و هواپیماهای غیرنظامی که توسط این نیروها و یا برای استفاده اختصاصی آن‌ها فعالیت می‌نمایند، طبق اهداف و احکام این قرارداد، طرح و ترتیب می‌کند. هواپیماهای حکومت ایالات متحده و هواپیماهای غیرنظامی که توسط نیروهای ایالات متحده و یا برای استفاده اختصاصی آن‌ها فعالیت می‌کنند، تابع پرداخت حق‌العبور یا اجرت و سایر محصولات به خاطر نشست و یا توقف در فرودگاه‌های حکومتی افغانستان نمی‌باشند. هواپیماهای حکومت ایالات متحده با رعایت کامل مقررات مربوط به مصونیت و تردد در افغانستان علاوه بر رعایت مقررات اطلاع قبلی، فعالیت می‌کنند. هواپیماهای غیرنظامی که توسط یا برای استفاده اختصاصی نیروهای ایالات متحده فعالیت می‌کنند، تابع مقررات اطلاع قبلی از چگونگی ورود و یا خروج از افغانستان طبق درخواست ادارات هوانوردی غیرنظامی افغانستان می‌باشند.

.3با حفظ کامل حق حاکمیت خویش و در مطابقت با اهداف و ابعاد این قرارداد، افغانستان به کشتی‌ها و وسایط حکومت ایالات متحده و سایر کشتی‌ها و وسایطی که توسط نیروهای ایالات متحده و یا برای استفاده اختصاصی این نیروها فعالیت می‌کنند، اجازه ورود، خروج و فعالیت در داخل خاک افغانستان را می‌دهد. تمامی این کشتی‌ها و وسایط با رعایت کامل مقررات مصونیت و تردد در افغانستان، فعالیت می‌کنند. اعضای نیروهای نظامی و بخش غیرنظامی ایالات متحده وظیفه دارند تا حین استفاده از وسایط رسمی، مقرره تردد وسایط موتوردار افغانستان را رعایت کنند.

.4سوار شدن بر هواپیماها، کشتی‌ها و وسایط حکومت ایالات متحده بدون موافقت مقامات این نیروها ممنوع می‌باشد. هواپیماها، کشتی‌ها و وسایط حکومت ایالات متحده در داخل افغانستان از هرگونه تفتیش، انتظام و یا ثبت و تحقیق معاف می‌باشند، مقامات ذیصلاح افغانستان می‌توانند براساس ایجابات امنیت ملی خویش، هواپیماها، کشتی‌ها و وسایط ایالات متحده را به طور تصادفی بازرسی کنند.

.5نیروهای ایالات متحده در مقابل خدماتی که برای هواپیماها، وسایط و کشتی‌هایش تقاضا و دریافت می‌کند حق‌الاجرت مناسبی را، بدون هیچ گونه مالیات و یا محصول مشابه می‌پردازد.

.6طرفین توافق دارند تا دستورالعمل‌هایی را به منظور تطبیق این ماده تدوین کنند. طرفین، این دستورالعمل‌ها را حسب ضرورت مورد بازنگری و بررسی قرارداده و به مسائل احتمالی مرتبط با آن‌ها در اسرع وقت از طریق کمیسیون مشترک رسیدگی می‌کنند.

ادامه دارد

مردی سراپا اخلاص و تعهد

□ فقیری



سال های جهاد و مقاومت را به به یاد داریم. ده هزار جوان و پیر و زنان و دختران مسلمان، در شرایط سخت و دشوار در سنگرهای دفاع از عقیده، ایمان و هویت اسلامی و تاریخی کشورما به مبارزه برخاسته بودند و زنان و دختران نیز در عقب جبهات و در خانه ها، برای مجاهدین سر افراز کشور ما غذا تهیه می دیدند و یا لباس های این پاکمردان را شستشو می دادند...

ده ها هزار از این عزیزان وطن، در راه خدا و اعلای کلمهٔ خدا و در راه آزادی و نجات کشور شان توسط دستگاه های جهنمی خاد، کام و اکسا و یا در اثر جنگ با عساکر تجاوزگر شوروی خون آشام و ایادی داخلی آن و یا در فرایند بمباردمان ها به شهادت رسیدند که امروز و فردا تا روز قیامت همهٔ افغان ها و همه انسانهای دنیا که از استعمار و ظلم و ستم نفرت دارند، باید نام های شهدای ما را و یاد شان را گرامی بدارند و نسل های امروز و فردای افغانستان به شخصیت های والا و جهاد و مقاومت این راد مردان و شیر زنان، افتخار نمایند.

جای شرم و ننگ ابدی برای کسانی است که یاد شهدا و آرمان های والای آنان را فراموش می کنند و بر تعهد ها و آرزوهای خالصانهٔ آنان پا می گذارند و تاریخ این شهامت و دلیری مجاهدین را از یاد می برند...

تاریخ شکوهمند معاصر افغانستان و حتی تاریخ دنیا نمی تواند صفحات افتخار آفرین جهاد و مقاومت ما را از یاد ببرد و تاریخ سر افرازی های مردم ما به تاریخ اسلام و تاریخ آزادیخواهی در جهان پیوند عمیق و ناگسستنی دارد.

افغانستان جز جامعهٔ جهانی و در غم ها و شادی های دنیا شریک است، پس مجاهدین سربلند افغان در نجات بشریت از خطر سرخ و تباهکن شوروی سابق سهم بزرگی دارند و این واقعیت از نظر جهانیان پوشیده نیست...

در میان این ده ها هزار مجاهد با اخلاص و با تعهد سالهای جهاد و مقاومت که از دل و جان مسلمان و با عقیده بودند و سرهای شان را برای سربلندی اسلام و اقامهٔ حکومت اسلامی بدست گرفته بودند، برخی از آنها به وعدهٔ خویش با خدای متعال، راست و صادق شدند و به جوار رحمت خدا پیوستند و برخی از آنها تا هنوز زنده اند و در انتظار این آرزو و عهد بسر می برند...

معلم گل محمد خان مشهور به قوماندان یکی از این شخصیت های برجسته و نامدار جهاد و مقاومت و از اخلاصمندان مشهور جمعیت اسلامی بود که راه جمعیت، آرمان جمعیت و رهبر شهید جمعیت را بخاطر خدا و بخاطر دین خدا از دل و جان دوست می داشت و سخت به آن علاقمند بود. من به اخلاص، تعهد و ارادهٔ او رشک می بردم و تعجب می کردم که چگونه یک انسان با همه عشق و علاقه و اخلاص در جمعیت اسلامی و در راه آرمان های آن خالصانه و از دل و جان می کوشد! شاید معلم گل محمد خان از مرکز ولایت لغمان، سرخیل این مخلصین جمعیت باشد که نام جمعیت و رهبر شهید جمعیت با نام او و شیوهٔ کار او پیوند و جدایی ناپذیر بود. او جز اسلام و جمعیت فکر و خواست دیگری نداشت و همواره خبرهای از اخلاص و خدمت او در راه اسلام و جمعیت را می شنودیم و یا از نزدیک می دیدیم.

قوماندان گل محمد خان، مرد فقیر و کم درآمدی بود ولی اخلاص و تعهد او با جمعیت او را غنی و پر درآمد ساخته بود! غنی از لحاظ ایمان و عقیده و پر درآمد از عشق و علاقهٔ سرشار به اسلام و جمعیت. من در روز شهادت رهبر دوست داشتنی جمعیت و به خاک سپاری آن، نخواستم که قوماندان گُل محمد را اطلاع بدهم و کرایهٔ رفت و برگشت او را یک ضایعهٔ مالی بدانم ولی او بدون اطلاع ما و با شنیدن خبر شهادت و خاک سپاری رهبر عالیقدر جمعیت، به کابل آمد و در آن مراسم بزرگ شرکت کرد.

معلم گل محمد خان در حادثهٔ انفجار چندی قبل در مهترلام، زخم برداشت و توسط یک تن برادران جمعیت به جلال آباد و به شفاخانه منتقل شد. سرانجام روز، شنبه ساعت ۶ بجه شام ۸ سنبله ۱۳۹۳ داعی اجل را لبیک گفت. و روز یکشنبه ۹ سنبله در مرکز لغمان و در قریهٔ تیگری در مدفن آبایی شان به خاک سپرده شد.

دوستان حکایه می کنند که جنازهٔ مرحوم، بسیار زیبا و مقبول به نظر می رسید. و همه تعجب داشتند که چگونه مردی سراپای اخلاص و تعهد، در راه خدا و آرمان های اسلامی چه خوش فوت کرد و چگونه جنازهٔ او بسیار مقبول و زیبا است در حالیکه همراهان او این جنازهٔ پاکمرد مسلمان را به شانه های شان بسوی گورستان می برند، در حق او دعا می کردند.

روح او شاد، همه گناهان او را خدا ببخشاید و بهشت برین را جای او سازد.

سفر رئیس جمهور به پاکستان و خوش...

برقراری صلح در افغانستان به اقدامات پاکستان بستگی دارد و اگر این کشور همکاری کند و در روند مذاکرات صلح افغانستان مشکلات ایجاد نکند افغانستان به صلح دست خواهد یافت.در مقابل، مقامات پاکستان همواره از تریبون های رسمی بر علاقهٔ خود به استقرار صلح در افغانستان تأکید نمودند. اما درعمل به نا آرامی ها و حملات تروریستی به جنگ نیابتی ادامه دادند. رئیس جمهورغنی دو هفته پیش به چین سفر کرد و از آن کشور خواست به روند صلح در افغانستان کمک نماید. هدف آقای غنی از این خواست این بود که در واقع چین با روابط گستردهٔ که با پاکستان دارد استفاده نموده و پاکستان را قانع سازد تا در پروسهٔ صلح و ختم جنگ افغانستان را کمک نماید.

با وصف این که اهداف پاکستان در قبال افغانستان روشن است، اما با روی کار آمدن حکومت وحدت ملی امیدواری ها در بهبود روابط دو کشور و ختم جنگ افزایش یافته است. به طوریکه سفرهای مقامات رسمی هردو کشور این امیدواری ها را تقویت می کند. طی یک و نیم ماه گذشته سه مقام نظامی نظامی پاکستان از افغانستان دیدن نموده است. سرتاج عزیز مشاور امنیتی، جنرال راحیل شریف، فرماندهٔ ارتش و جنرال رضوان اختر رئیس (آی اس آی) پاکستان به افغانستان سفر نمودند. به طوری که لوی درستیز پاکستان گفته بود کشورش می خواهد فصل جدیدی از دوستی را با افغانستان باز کند. سفر آقای غنی نیز به پاکستان در راستای تقویت روابط همکاری هایی دوجانبه و ایجاد فصل تازه در روابط دو کشوراست.

مروری بر برخی حوادث امنیتی

○ فیض

۱۶عقرب:

• در خبرنامهٔ ارگ ریاست جمهوری و بر اساس معلومات مقام ولایت و قوماندانی امنیهٔ پکتیا آمده است که، یازده کارمند دولتی در شب چهاردهم ماه جاری در حال حرکت به منطقهٔ سورکی، از مربوطات ولسوالی زرمت ولایت پکتیا بودند در مسیر راه از موتر حامل شان پیاده و به ضرب گلوله کشته شدند. در خبرنامه در مورد عاملان گلوله باری این یازده کارمند دولتی اشاره ای نشده است. این در حالی است که روز گذشته مقام های امنیتی ولایت پکتیا تعداد قربانیان را ده نفر اعلام کرده و گفتند که تمامی انان غیر نظامیان هستند. قوماندان امنیهٔ پکتیا گفته بود که این ده نفر از سوی طالبان کشته شدند. او گفته است که ۲ تن از این غیر نظامیان از ولایت خوست، چهار تن از ولایت پکتیا و چهار نفر دیگر تا هنوز مشخص نشده که مربوط به کدام ولایت هستند.

• سخنگوی سرپرست والی غزنی به رسانه ها گفته است: یک بزرگ قوم و شاروال سابق ولسوالی قره باغ غزنی در زمان قدرت طالبان، در یک حملهٔ طالبان به منزلش همراه با یک محافظش کشته شد. وی عبدالقادر نام داشت و باشندهٔ هارون خیل ولسوالی قره باغ ولایت غزنی بود. گفته شده که در روز سوم عید گذشته نیز بالای نامبرده انفجار صورت گرفت اما جان به سلامت برده بود.

۱۸عقرب:

• در یک انفجار که صبح امروز در قوماندانی امنیه کابل صورت گرفت یک تن کشته و شش تن دیگر زخم برداشتند. جنرال ظاهر ظاهر قوماندان امنیهٔ کابل این رویداد را تایید کرده و در صحبت با رسانه ها گفته است که در این حادثه دگروال محمد یاسین آمر دفتر وی کشته شده است. این انفجار حوالی ساعت ۹ صبح در منزل سوم این قوماندانی رخ داده است.

• بازهم صبح امروز انفجار در مربوطات ناحیه هشتم شهر کابل رخ داد. به قول رسانه ها، این انفجار ناشی از مواد انفجاری بوده که در بین گلدان سرک عمومی در فاصلهٔ بین سرک دوم و سوم شاه شهید جابجا شده بود. گفته شده که این انفجار تلفاتی در پی نداشته است.

۱۹عقرب:

• ریاست امنیت ملی به رسانه ها گفته است که در انفجار در مقابل پوهنتون استاد برهان الدین ربانی دو فرد ملکی زخمی شده است. به گفتهٔ حسیب صدیقی سخنگوی این ریاست، این انفجار هنگام عبور قطعهٔ واکنش امنیت ملی رخ داده است که در این رویداد به این قطعه صدمه نرسیده است.

• چهار پولیس در یک انفجار در مقابل گمرک ولایت ننگرهار زخمی شدند. مسوول مطبوعاتی قوماندان امنیهٔ این ولایت گفته است، حوالی ساعت شش نیم صبح امروز مواد انفجاری در موتر سایکل نوع زرنج در مقابل گمرک جاسازی شده بود که موتر رنجر پولیس با آن اصابت کرد. وضعیت صحی سه تن از زخمی شده ها وخیم توصیف شده است.

• در شدیدترین انفجار در ولایت لوگر هفت نفر از جمله شش سرباز پولیس محلی و یک غیرنظامی کشته شده‌اند. سخنگوی والی لوگر به رسانه ها گفته است که سبزعلی، فرماندهٔ پولیس محلی لوگر نیز در جمع کشته شده ها است. به گفتهٔ وی، دراین رویداد قبل از ظهر امروز در برابر فرماندهی پولیس ولایت لوگر زمانی اتفاق افتاد که عامل انتحاری در لباس نیروهای پولیس محلی، بمب همراه خود را در میان سربازان منفجر کرد. چهار نیروی پولیس محلی نیز در این رویداد زخمی شده اند.

• به گفتهٔ سخنگوی فرماندهی پولیس بدخشان به رسانه ها، صبح امروز نیروهای امنیتی افغان یک عملیات تصفیه ای را در ولسوالی ارگو این ولایت راه اندازی نمودند. که در نتیجهٔ درگیری نیروهای امنیتی افغان و مخالفین مسلح در این ولسوالی، ملابسم الله مسوول نظامی مخالفین مسلح و دو همراهش کشته شده اند. به گفتهٔ وی؛ اجساد آنان نیز در میدان جنگ باقی مانده است.

۲۰عقرب:

• مردان مسلح صبح امروز مدیر لیسهٔ حاجی میرویس یکی از مکتب های شهر قندهار را با ضرب گلوله به شهادت رساندند. سخنگوی والی قندهار گفته است که وحیدالله احمدی مدیر لیسهٔ حاجی میرویس یکی از مکتب های شهر قندهار زمانی که ازمنزلش عازم مکتب بود ازسوی مردان مسلح هدف گلوله قرار گرفت و شهید شد.

• در نتیجهٔ حملهٔ راکتی طالبان بر پرجمعیت ترین محل های شهر جلال آباد صبح امروز یک غیرنظامی شهید و هشت تن دیگر شان زخم برداشتند. یکی ازاین راکت ها در یک محل پررفت و آمد کوچه سمنت فروشی برخورد کرده است که منجربه شهادت یک غیرنظامی و زخمی شدن هشت تن دیگر شد و راکت دومی درهمین کوچه در یک خانه برخورد کرده که تنها باعث خسارات مالی شده است.

• به قول رسانه ها، مسوولان محلی کندز گفته اند که مخالفان مسلح سه تن از منسوبان ارتش ملی را در این ولایت ربوده اند. به گفتهٔ ولسوال خان آباد کندز ، صبح امروز افراد مسلح ملبس با لباس پلیس، یک موتر مسافربری را که از تخار به سوی کندز در حرکت بود، در منطقه چهار سری ولسوالی خان آباد متوقف کرده، و سه تن از منسوبان ارتش ملی را با خود برده اند.

۲۱عقرب:

• طالبان یک پولیس محلی را با پدر ومادرش درولایت غزنی دیشب شهید ساختند. سخنگوی والی غزنی به رسانه ها گفته است، طالبان مسلح بر منزل یک پولیس محلی در منطقهٔ قدم خیل ولسوالی اندر حمله کرده، نخست این پولیس محلی و بعداً پدر و مادر وی را به شهادت رسانند و از محل فرار نموده اند. به گفته منبع: این پولیس محلی محمد انور نام داشت واز چندی بدینسو درصفوف پولیس محلی ایفای وظیفه می کرد.

• عملیات زیرنام خیبر ۲۲ دیروز در ولایت لغمان آغاز شد. سخنگوی والی لغمان به رسانه ها گفته است، این عملیات شب گذشته از سوی نیروهای مشترک پولیس، اردو و امنیت ملی به هدف از بین بردن آخرین لانه های طالبان در بخش های ولسوالی های دولت شاه والیشنگ لغمان راه اندازی شد. درجریان این عملیات ساحات شمسه خیل، نجیل قلعه ولسوالی الیشنگ و ساحهٔ از کمر ولسوالی دولت شاه از وجود طالبان پاکسازی گردیده، عملیات به شکل موفقانه پیش برده می شود. درجریان این عملیات راه های که توسط طالبان به مرکز مسدود شده بود، باز و از رفت و آمد طالبان به ساحات تصفیه شده جلوگیری به عمل آمده است. گفته می شود در جریان عملیات به طالبان تلفات وارد آمده که از رقم دقیق آن اطلاع دردست نیست.

• عملیات نیروهای اردوی ملی در ولایت قندز آغاز گردیده و در تازه ترین انکشاف سیزده طالب تروریست در ساحه گورتپه آن ولایت کشته شدند. سخنگوی وزارت دفاع ملی در این رابطه به رسانه ها گفته است، در نتیجه عملیات مشترک نیرو های کماندو ، لوای ۲ قول اردوی ۲۰۹ شاهین و پولیس ملی در مربوطات ساحهٔ گورتپهٔ ولایت قندز ۱۳ تن مخالف مسلح به شمول مولوی رحمت الله یکی از سرگروپان آنان کشته چهار تروریست دیگر تن زخمی و یک مقدار سلاح و مهمات بدست آمده است. درعملیات قریه های اطراف گورتپه از وجود مخالفین پاکسازی گردیده و ملیات تصفیوی در قندز ادامه دارد.

• به گفتهٔ سخنگوی پولیس ننگرهار به رسانه ها، نیروهای مشترک افغان شب گذشته با انجام عملیات در مربوطات ولسوالی بتی کوت ننگرهار موفق شدند که یک طالب را از پادر آورد و چهارطالب دیگر که اتباع پاکستانی اند گرفتار شدند. این عملیات به هدف از بین بردن مخفی گاه های طالبان درمربوطات ولسوالی بتی کوت راه اندازی شده بود.

•

چین و میانجیگری صلح در...

غافلگیر کرد و بازار تجارت جهان را محصولات چینی تسخیر نمود. در جهان سوم بخصوص افریقا، کمپنی های چینی حتی به غارت منابع طبیعی این کشور ها مشغول اند.

غول سیری ناپذیر صنعت نیازمند مواد خام است و افغانستان با داشتن منابع بکر و دست نخوردهٔ مواد معدنی، مورد توجه چین است. به همین دلیل در شرایطی که افغانستان همچنان درگیر جنگ و نا امنی است، چین قرارداد استخراج معدن مس عینک را با افغانستان امضا کرده است.

***

رسانه ها خبر از تمایل چین برای آغاز تلاش به منظور تأمین صلح در افغانستان دارند. گزارشاتی به نشر رسیده که قرار است بیجنگ میزبان نشستی باشد که در آن نمایندگان طالبان و حکومت افغانستان دور یک میز بنشینند و نظریات خود را در مورد صلح در افغانستان بیان کنند. این نخستین بار است که چنین تمایلی از جانب کشور چین در مورد افغانستان دیده می شود.

این گزارشات بعد از آن منتشر می شود که رئیس جمهور غنی سفری چهار روزه به چین داشت و در آنجا از جانب رهبران چین به گرمی استقبال شد. رئیس جمهور غنی و رهبران چین هردو به مناسبات بهتر اقتصادی میان دوکشور تاکید نمودند. مناسباتی که نمی تواند بدون تامین صلح در افغانستان ممکن باشد.

بعد ازین دیدار بود که نخستین نگرانی از جانب بعضی از حلقات در امریکا ابراز شد؛ سخنان زلمی خلیل زاد در مورد نگرانی امریکا از نزدیکی بیش از حد مجاز روابط میان افغانستان و چین را می توان نوعی هشدار به کابل تلقی کرد.

اما جالب است امریکا که در طول سیزده سال گذشته در افغانستان مصارف مالی و تلفات جانی را متحمل شد، اکنون از میدان افغانستان به نفع چین عقب نشینی می نماید. تنها در افغانستان نیست که امریکا تن به چنین کناره گیری می دهد، در عراق نیز امریکا میدان را به نفع ایران خالی گذاشت و اکنون ایران خلای نظامی امریکا را در آنکشور پر کرده است.

بعد از سفر غنی به چین و تمایل بیجنگ برای داشتن روابط نزدیک تر با حکومت جدید در کابل، بعضی از حلقات در کابل از علاقمندی چین به تأمین صلح و امنیت در افغانستان تعبیرهای خاص خودشان را داشتند. عده ای این مسئله را مطرح کردند که چین می تواند به افغانستان کمک نظامی نماید و بخصوص نیروی هوائی افغانستان را تجهیز کند!!

حقیقت اینست که چین هرگز نمی خواهد خود را در چالش های امنیتی کشورهای درگیر بحران دخیل سازد و در سفر رئیس جمهور غنی به چین نیز مقامات این کشور وعدهٔ کمک به برنامهٔ صلح را در افغانستان دادند که این کمک به صلح به معنی کمک نظامی نیست.

از طرف دیگر عده ای به این باور اند که چین بخاطر روابط نزدیک با پاکستان می تواند بر این کشور فشار وارد آورد تا از مداخله در افغانستان دست بردارد. در این رابطه شاید چین بتواند میان افغانستان و پاکستان وساطت نماید اما با توجه به فضای عدم اعتماد میان افغانستان و پاکستان، حل مشکلات میان دوکشور نیاز به زمان دارد.

اما چین بعنوان کشوری که در قضیهٔ افغانستان تا کنون بیطرف بوده است، می تواند تا حدی مورد اعتماد طالبان باشد. در دوران حکومت طالبان، هرچند رابطهٔ دیپلوماتیک میان دو طرف وجود نداشت اما هیئت های چینی به افغانستان مسافرت می کردند و حتی شخص ملامحمد عمر رهبر طالبان لااقل یک بار با یک هیئت بلند رتبهٔ چینی در قندهار ملاقات داشت. بعد از بمیان آمدن دفتر سیاسی طالبان در قطر، تماس میان طالبان و مقامات چینی ادامه داشته است.

با توجه به اهداف امریکا در منطقه و بخصوص امضای قرارداد امنیتی با کابل، هر قدمی که چین در جهت صلح در افغانستان بردارد به مشکل بر خواهد خورد. بنابراین لازم است تا چین برداشتن گام در این رابطه را از رایزنی با کشورهای دیگر منطقه و همسایگان افغانستان آغاز نماید و همکاری منطقوی را برای تأمین صلح در افغانستان برانگیزد. بدون تردید اکثر کشورهای منطقه خواهان ختم بحران در افغانستان اند زیرا دوام جنگ در افغانستان براین این کشورها نیز مشکلات فراوان ببار آورده است و به همین دلیل کشورهایی چون هندوستان، جمهوری های آسیای میانه، ایران و حتی روسیه حاضر خواهند بود در این رابطه نقش مثبت ایفا نمایند و به این ترتیب یک پروسهٔ جدی صلح در منطقه شکل بگیرد.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ بیست و نهم ۲۴ عقرب ۱۳۹۳ ۲۲ محرم الحرام ۱۴۳۶ 15 Nov 2014

به بهانهٔ روز جهانی محصلان

تفاوت میان آموزش و پرورش

قسمت اول

□ عبدالعلی کوهی/ دانشگاه کابل

تعلیم و تربیه دو واژهٔ مترادف نیست؛ بلکه این دو واژه از جهاتی با هم متفاوت اند و در جهاتی با هم مرتبط می باشند. تربیت دارای معنای وسیع و دامنه دار می باشد. تعلیم از نظر مدلول وسیله و عاملی است، برای تربیت. به سخن دیگر تعلیم جزء از تربیت و یا وسیله یی برای تربیت می باشد. در مورد تربیت دانشمندان به این نتیجه رسیده اند:

تربیت: محافظت، رعایت و نگه داشت از فطرت و طبیعت شی است.

تربیت: نمو و رشد استعدادهای ذاتی افراد است، که در نهان آنها پنهان می باشد.

تربیت: نوعی از توانمندی استعداد های درون انسان است، که در میان افراد متفاوت می باشد. باید این استعداد ها به کمال و پختگی برسند.

تربیت یک علم تدریجی است که بسیاری به آن اشاره کرده اند؛ طوری که بیضاوی آنرا شئیا فیشیئاً و راغب آن را حالا فحالا؛ یعنی از یک حالت به حالت دیگر آمدن، بیان کرده است. از این سخنان بر می آید که تربیت یک جریان هدفمند در انسان می باشد و دارای اغراض، اهداف و نتایج سودمند بوده و باز دهی آن محسوس می باشد. از نصوص قرآنکریم معلوم است که مربی حقیقی بر طور مطلق خداوند "ج" است. خداوند "ج" است که در نهاد انسان ها و طبیعت جریان رشد و نمو را به طور تدریجی به ودیعت گذاشته است و خداوند "ج" است که به وسیله شرائع و قوانین خویش، اصلاح و تعدیل آن را در جهت سعادت و کمال رهنمونی کرده است و یکی از موارد استعمال تربیه همین اصلاح، رعایت امور به شکل تدریجی آمده است. باید این تربیت به شکل تدریجی بالای اطفال و نوجوانان اعمال گردد و از سن کودکی شروع و تا دوران تحصیلات عالی و دانشگاهی ادامه یابد و در این دوره است که انسان اصلاح، تعدیل و کامل می گردد و نقش تعلیم در جهت اصلاح و کمال به این هدف برجسته می باشد. کسیکه چیزی را تربیت می کند و آن را تا حد تمام و کمال پرورش و نشو و نمو می دهد، رب آن هم است. و در سورهٔ علق تقدم کلمهٔ ربک (پرورگار تو) بر کلمهٔ علم (آموختاند) می باشد که بر اهمیت پرورش و تقدم آن بر آموزش اشاره شده است و در بسیاری از آیات کلام الله مجید مرتبت و مقام تربیت و ارزش والای آن در کنار تعلیم، مشخص گردیده است. از هدایات گهر بار اسلام معلوم می شود که فرق میان تعلیم و تربیت وجود دارد و بسیاری از دشواری های زنده گی امروزی ما از همین ناحیه ناشی می شود؛ طوریکه در مدارس و مراکز علمی بشر، فقط به تعلیم و مفهوم آن قناعت شده است؛ در حالیکه بر مسئلهٔ تربینت توجهٔ کافی صورت نگرفته است.

امروز به طور اغلب در مراکز علمی و دانشگاه ها فقط بالای القاأت، محفوظات و معلومات فن آوری جدید اکتفاه می گردد. ارزش کوشش های شاگرد و معلم، استاد و محصل در همین محدوده استوار می باشد. شخصیت شاگرد و معلم، استاد و محصل با چنین مساعی ذهنی ارزیابی می گردد. مردم نیز از استاد و معلم انتظار بیش از این را ندارند و مراکز علمی امروزی به نتایج علمی شاگرد و محصل بیش از تربیت درست و مطلوب او اهتمام می ورزد.

اگر تربیت از کنار تعلیم جدا گردد زمینه های سقوط و نابودی بشر فراهم می گردد. فریاد مربیان واقعی در تمام اعصار به بشر هشدار می داد و به خصوص دانشمندان تربیت و تعلیم اسلامی به تعلیمات عقلی محض سخت تاخته است مانند: ابن سینا، خواجهٔ طوسی، فارابی و سایر دانشمندان جهان اسلام در ارائهٔ اهمیت موضوع تربیت و نقش آن در نگهبانی و پاسداری از انسانیت، معنویت و بالاخره بقای بشریت، کتاب ها نوشته اند و یا بخشی از آثار خود را به این مسئله اختصاص داده اند. تربیت بر انگیختن استعداد و قوای گوناگون انسان است و پرورش آن باید به وسیلهٔ مربیان مجرب آغاز گردد، تا برای شگوفایی و رشد انسان در یک مدار فعالیت منظم و سازمان یافته، قوام پذیرد.

ص۵

گزارش سازمان ملل متحد

در مورد افزایش کشت کوکنار در افغانستان

□ تکساری

طی هفته آخیر سازمان ملل متحد گزارش های را در مورد خشونت در برابر زنان و افزایش کشت و تولید مواد مخدر به نشر سپرده است. در این گزارش آمده است که امسال ۲۲۴ هزار هکتار زمین در افغانستان زیر کشت کوکنار قرار گرفته است در حالیکه این رقم در سال ۲۰۱۳م ۲۰۹ هزار هکتار زمین بوده است.

امسال ۷ درصد در کشت و ۱۷ درصد در تولید آن افزایش آمده است. کسانیکه در رده های بلند حکومت گذشته قرار داشتند، امروز به ولی نعمت خود روی گشتانده و حکومت گذشته را به بی تفاوتی در برابر این پدیدهٔ منفی متهم می سازند و می گویند که در دولت گذشته ارادهٔ سیاسی و جدی در برابر کشت مواد مخدر وجود نداشته است و همکاری منطقه یی در جهت محو آن هیچگاه به وجود نیامده است. حتا از گفتهٔ این حاکمان بر می آید، که خارجی ها در کشت، تولید و قاچاق این مواد دست داشته اند و تعدادی از رده های بلند دولت در پشت سر قاچاقبران قرار داشته است.

این نیرومندها و قدرتمندان به گفتهٔ این مسوولان، نگذاشته اند که در این راستا مبارزهٔ جدی صورت گیرد. از جانب دیگر تفتیش امریکا به نام سیگار چند روز قبل گفته بود که ظرف سال های آخیر در حدود ۷ میلیارد دالر دونرها که به خاطر محو کشت کوکنار در افغانستان به هدر رفته است. این ها و سوالات زیادی وجود دارد که تا هنوز مسوولان به آن نه پرداخته اند. آیا امریکا و انگلیس که از دونر های بزرگ مبارزه بر ضد مواد مخدر در افغانستان می باشند ارادهٔ جدی به این مواد نداشته اند؟ و آیا استراتیژی دولت ظرف ۱۳ سال گذشته در برابر مبارزه با مواد مخدر مغشوش بوده است؟ این ها و پرسش های زیادی وجود دارد که تا هنوز مردم جواب این پرسش های خود را نیافته اند.

در حالیکه تریاک و تروریزم با هم رابطهٔ نزدیک دارند و هم چنان گفته می شود که دموکراسی جدید حتا در برابر کشت تریاک و تولید آن در بین ولایات کشور تبعیض روا داشته است. در تعدادی از ولایات کشور، خارجی ها و دولت با دهقانانی که تریاک کشت می کنند، چراغ سبز نشان می داد و همه روزه والیان، قومندانان امنیه و خارجیان از مزارع آنها رد می گردیدند و آن را به چشم سر مشاهده می کنند؛ اما در برخی از ولایات دیگر کشت این مواد را صفر ساخته اند و بسیاری از والیان گفته اند، که در برابر صفر ساختن این مواد برای دهقانان مساعدت صورت نه گرفته است، تا به کشت بدیل روی بیاروند.

در حالیکه سالانه ۲۵ میلیون دالر برای کشت بدیل این دونر ها متعهد گردیده بودند. از این گزارش فهمیده می شود که حکومت گذشته میراث های بدی را به این حکومت جدید گذاشته است. میراث فساد اداری، نبود حکومت داری خوب، اداره های موازی و حتا وزارتخانه های که وظایف و لایحهٔ کاری ندارند و فعالیت های آنها با فعالیت های وزارت ها و ریاست های دیگر همسان می باشد. موجودیت یک معنیت در وزارت داخله و یک وزارت مستقل در جهت مبارزه با مواد مخدر!

امروز گزارش ها نشان می دهد که در مناطق تحت ادارهٔ دولت تریاک کشت می شود، قومندانان و والیان اجازه ندارند تا به تخریب مزارع کوکنار پیردازند. چنین فهمیده می شود، که میان حکومت گذشته و مخالفان یک نوع اتحاد پنهانی وجود داشته است، تا تعدادی به این کشت بپردازند و ماشین جنگی را گرم نگه دارند. همدست بودن حکومت گذشته با دهقانان در خصوص کشت تریاک بر تداوم این امر افزوده است. قسمی که دولت در بر گشتاندن پول های مردم به کابل بانک در حرکت آخیرش جزء یک هیاهوی سیاسی و رسانه یی ساختن موضوع توفیقی نداشته است، کار مبارزه با کشت مواد مخدر یک مبارزهٔ طولانی خواهد بود و بدون همکاری های منطقه یی و مبارزهٔ هماهنگ و دلسوزی به دهقانان و ایجاد کشت بدیل نمی توان به این مبارزه فایق آمد.

ساختن یک برنامهٔ سراسری و هزینه های هنگفت مالی و ارادهٔ سیاسی می تواند جلو این پدیدهٔ نامیمون را از افغانستان بگیرد، در غیر آن این معما حل نخواهد گردید. ایجاب می کند کسانی که از نام مبارزه با مواد مخدر ثروت و سرمایه اندوخته اند به آن رسیده گی صورت گیرد. تا زمانیکه این مسوولان گذشته های خود تصفیه نکنند، هیچکس به این حکومت اعتماد نه خواهد کرد؛ زیرا تعدادی در رده های دولت وجود دارند که از این راه به آب و نان رسیده اند و مبارزه با این قاچاقبران کار ساده نخواهد بود. این مبارزه وقتی کارساز خواهد بود که عناصر دلسوز و خوشنام در رهبری ادارات دولتی قرار گیرند، در غیر آن این سخنانی است که در هوا پرتاب می شود و به سخن شاعر: آهن سرد کوبیدن است، که جزء تبلیغات چیزی نخواهد بود.

ورځ تر بلې د نا امنيو ډېرښت!



□ زهير

له کومې ورځې راهيسې چې په هيواد کې د دريم ځل ولسمشريزو ټاکنو د پايلو د اعلان په نتيجه کې نوې واکمني رامينځته شوې او ولسمشر غنی د خپل واک په لومړۍ ورځ د امريکايانو سره امنيتي تړون په کومه بېړه لاسليک کړی، ورسره سم د هيواد په بېلابېلو برخو کې په عامه توگه او په مرکزي ولايتونو او پلازمينه (کابل) کې په ځانگړې توگه د نا امنۍ پېښې او چاودنې ډېرې شويدي. په تېره اونۍ کې دسه شنبې تر ماښامه (په څلور ورځو کې) يوازې په کابل کې څلور چاودنې رامينځته شوې، چې له ټولو زياته حيرانوونکې يې د امنيه قوماندانۍ دننه د کابل د امنيه قوماندان په دفتر کې د يو بريدگر ځانته چاودنه ورکول وو.

۵مخ